نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴
پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱
صفحات: ۱۳۰-۱۰۷
10.52547/mmi.2462.1

بازتفسیر طرح‌واره‌های خانه‌های تاریخی لاهیجان با هدف ارائه رهیافت‌های هویت‌ساز در طراحی ساختارهای معاصر در زمینهٔ تاریخی*

معصومه بلوچستانی** مهسا دلشاد سیاهکلی***

چکیده

ظهور طرح‌های معماری معاصر که اغلب از بافت تاریخی شهر جدا شده‌اند، نگرانی‌هایی را در مورد از دست دادن احتمالی اصالت و حس مکان ایجاد کرده است. فقدان راهبردهای هویت‌ساز در طراحی این ساختارهای مدرن، خطر گسستن تداوم روایت فرهنگی و فرسایش بافت اجتماعی را به‌دنبال دارد. خانه‌های تاریخی با ویژگی‌های متافیزیکی و شهودی متمایز خود، مظهر میراث ملموس و ناملموس غنی هر منطقه است و شهرنشینی سریع و تقاضا برای ساختارهای معاصر، تهدید مهمی در مقابل حفظ این گنجینه‌های تاریخی- فرهنگی ایجاد می‌نماید. ازاین‌رو پژوهش حاضر در پی آن است ضمن شناسایی و بازتفسیر طرح‌واره‌های خانه‌های تاریخی لاهیجان، به شاخص‌ها و راهبردهایی دست یابد که ضامن هویت‌سازی و تقویت یکپارچگی ساختارهای معاصر در زمینه تاریخی خود باشد. مقالهٔ حاضر به‌لحاظ هدف توسعه‌ای -کاربردی و ازلحاظِ روش‌شناسی توصیفی- تحلیلی مبتنی‌بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی می‌باشد. جهت تأیید روابط و آزمون فرضیات، داده‌های مرحلهٔ میدانی مستخرج از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته، با حجم نمونهٔ ۸۰ نفر از ساکنان و متخصصین و اساتید دانشگاه در شهر لاهیجان می‌باشند. برای تجزیه‌وتحلیل نیز از نرم‌افزار pls استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، معناداریِ رابطهٔ مؤلفه‌های مستخرج در گونه‌شناسی معنایی- کالبدی خانه‌های تاریخی لاهیجان با ترتیبِ اثر طرح‌واره‌های (اقلیمی، سبک زندگی، عملکردی و محرمیت) و تداوم هویت در بافت تاریخی منطقه، مورد تأیید قرار گرفت. به‌طور کلی این مطالعه نشان می‌دهد کیفیت ارتباط میان اجزا در طرح‌وارهٔ عملکردی، عرصه‌بندی فضایی در طرح‌وارهٔ محرمیت، معیار فرهنگی در طرح‌وارهٔ سبک زندگی و تناسبات و ترکیب عناصر در طرح‌وارهٔ اقلیمی، از مهم‌ترین جنبه‌هایی هستند که در طراحی معماری معاصر در بافت تاریخی لاهیجان باید مورد توجه قرار گیرند تا به توان به تقویت پایداری فرهنگی محیط شهری و تداوم هویت منحصربه‌فرد لاهیجان برای نسل‌های آینده دست یافت.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی معنایی، طرح‌واره، خانه‌های قاجار، بافت تاریخی لاهیجان.

---

* این مقاله، برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد با عنوان "طراحی خانهٔ فرهنگ غذای لاهیجان با رویکرد بازآفرینی الگوهای کیفیت‌بخش معماری سنتی گیلان (نمونه موردی خانه‌های قاجار لاهیجان)" است.

** دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
*** استادیار، گروه معماری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان (نویسنده مسئول). mah_delshad@yahoo.com

مقدمه

سرعت فزایندهٔ شهرنشینی و تقاضای روزافزون برای ساختارهای معاصر، تهدیدهای مهمی برای حفظ هویت فرهنگی و بافت‌های تاریخی ارزشمند و نگرانی‌هایی را در مورد از دست دادن اصالت و حس مکان ایجاد نموده است. فقدان راهبردهای هویت‌ساز، خطر گسستن تداوم روایت فرهنگی و فرسودگی بافت اجتماعی را که پیرامون میراث تاریخی شکل می‌گیرد، در پی خواهد داشت (Said et al.,2020:79). در این میان به‌جز اندام‌های کالبدی که ماهیتی مادی دارند واقعیاتی نیز وجود دارند که در لایه‌های عمیق‌تری از کالبد باید جست‌وجو شوند. در یک گونهٔ معماری، در پس اندام‌های کالبدی، نقشه‌های معنایی- کالبدی به نام «طرح‌واره» وجود دارد که در شرایط متفاوت قابل تکرار و تعمیم و تغییر شکل دادن هستند. این ساختارها که ذهنی هستند، دانش و درک ما را از جهان سازمان می‌دهند و به ما در تفسیر و معنای اطلاعات کمک می‌کنند (Peer & Epstein, 2021: 39). طرح‌واره‌ها ازطریقِ تجربیات، فرهنگ و تعاملات اجتماعی ما ایجاد می‌شوند. آن‌ها بر نحوهٔ درک، پردازش و به خاطر سپردن اطلاعات و همچنین نحوهٔ ساخت هویت خود تأثیر می‌گذارند. در این راستا مفهوم هویت‌سازی به‌ویژه در بافت‌های تاریخی، فرایند پیچیده‌ای است، چراکه این محدوده‌های تاریخی هویت افراد را شکل می‌دهند و بر نحوهٔ درک آن‌ها از خود و دیگران تأثیر می‌گذارند (Baldwin,1992: 463). بنابراین الگوها یا طرح‌واره‌های معنایی خاصی ممکن است براساس روایت‌های تاریخی، هنجارهای اجتماعی و سوگیری‌های فرهنگی ایجاد شده باشند. این طرح‌واره‌ها می‌توانند عمیقاً در افراد و جوامع ریشه‌دار شوند لذا برای ارائه راهکارهای هویت‌ساز مؤثر در چنین زمینه‌هایی، نیاز به تفسیر مجدد این الگوها می‌باشد. در این بین خانه‌های تاریخی با الگوهای کالبدی- معنایی متمایز خود، مظهر میراث فرهنگی غنی بافت‌های تاریخی هستند (Luperto & Amigoni, 2016)؛ (Damiano et al, 2015: 143). مطالعهٔ خانه‌های تاریخی براساس معماری آن‌ها می‌تواند بینش‌هایی را در مورد ویژگی‌های دورهٔ زمانی ساخت خانه و بافت فرهنگی- اجتماعی آن‌ها و سبک زندگی و موقعیت اجتماعی افرادی که در این خانه‌ها زندگی می‌کردند، ارائه دهد (حسینی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۹). ساختارهای معاصر با درک و استفاده از ویژگی‌های متافیزیکی و معنایی در خانه‌های بافت تاریخی می‌توانند هویت منطقه‌ای را احیا و میراث فرهنگی و معماری یک مکان را حفظ کنند (Mazzetto, 2018: 5)؛ (Eid, 2018). درراستای تقویت حس مکان، ارتباط عمیق‌تری با جامعهٔ محلی برقرار نمایند و احساس تعلق و مالکیت را در بین مردم محلی ارتقا بخشند (Sokhanvar & sani, 2015: 579)؛ (Takeda & Almazen, 2022: 543). همچنین تفسیر هوشمندانهٔ طرح‌واره‌ها می‌تواند منجر به توسعهٔ شهری پایدار شود به‌طوری که با الهام گرفتن از نحوهٔ عملکرد عناصر در طراحی سنتی می‌تواند بهره‌وری انرژی، استفاده از منابع و پاسخ‌گویی به اقلیم را بهینه نماید (Berrak & Kapoor, 2021: 3). حفظ و احیای بناها در بافت تاریخی برای جذب گردشگری فرهنگی و درک و ترویج روابط و تبادلات بین جوامع و مناطق مختلف (Canno et al., 2013: 2)؛ (Vicente et al., 2018: 6) ارتقای رشد اقتصادی، حیاتی است. در نتیجه جهت پرداختن به راه‌حل‌های هویت‌ساز در بافت تاریخی، درک مفهوم الگوهای کالبدی- معنایی یا طرح‌واره‌ها در خانه‌های سنتی و فرایند تفسیر مجدد آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. لاهیجان، شهری در منطقهٔ معتدل و مرطوب شمال ایران، در طول سالیان متمادی با ویژگی‌های معماری منحصربه‌فرد به‌ویژه در خانه‌های تاریخی آن، گواهی بر میراث غنی فرهنگی منطقه است. این منطقه مانند بسیاری از مناطق ایران به‌دلیل تنوع فرهنگی غنی با ترکیبی از آداب و سنت‌ها شناخته شده است. با گذشت زمان، وقایع و روایت‌های تاریخی ممکن است عمدتاً از منظر گروه‌های خاصی ارائه شده باشند. ازاین‌رو با تفسیر مجدد الگوهای معنایی، محققان می‌توانند اطمینان حاصل کنند که آداب و روایت‌های بومی شامل طیف وسیع‌تری از تجربیات می‌باشد. بافت تاریخی لاهیجان ممکن است تضاد پیچیده‌ای از زمینه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی و زبانی باشد که با تفسیر مجدد الگوهای معنایی می‌توان بینشی در مورد سبک زندگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی مردمی که در این منطقه زندگی می‌کردند، ارائه نمود. این تفسیر می‌تواند هویت مشترکی را تقویت کند که از تفاوت‌های فردی فراتر می‌رود. در مجموع به نظر می‌رسد ساختارهای معاصر که به طرح‌واره‌های خانه‌های تاریخی احترام می‌گذارند و از آن‌ها الهام می‌گیرند، می‌توانند به نشانه‌های فرهنگی تبدیل شوند. ازاین‌رو، انسجام اجتماعی، تقویت هویت جامعه و الهام‌بخشی در معماری معاصر ازطریقِ بررسی ویژگی‌های شهودی در خانه‌های تاریخی، بخشی از دستاوردهای تفسیر مجدد طرح‌واره‌ها خواهد بود. این پژوهش با هدف بازشناخت استراتژی‌های هویت‌ساز جهت تقویت یکپارچگی ساختارهای معاصر در زمینهٔ تاریخی، بر مبنای تفسیر مجدد ویژگی‌های متافیزیکی و شهودی (طرح‌واره‌ها) خانه‌های تاریخی انجام شده است و تلاش می‌کند تا در مسیر تقویت محیط شهری

پایدار ازنظرِ فرهنگی و تداوم هویت بومی برای نسل‌های آینده گام بر دارد. براساس هدف مد نظر، سؤالات مطرح در پژوهش حاضر را می‌توان در دو دستهٔ اصلی و فرعی در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

سؤال اصلی: خانه‌های تاریخی حائز چه ویژگی‌های متافیزیکی و شهودی (طرح‌واره‌ها) بارز هستند و با شناسایی و تحلیل آن‌ها چه رهیافت‌های هویت‌سازی به‌منظور طراحی ساختارهای معاصر در زمینهٔ تاریخی می‌توان ارائه نمود؟

سؤال فرعی: گونه‌شناسی طرح‌واره‌ها در خانه‌های تاریخی لاهیجان را در چه ابعاد و شاخص‌هایی می‌توان دنبال کرد؟

پیشینه پژوهش

براساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد شناخت و توجه به الگوهای معنایی در طراحی معاصر در بافت تاریخی، جهت منبع الهام و یافتن راه‌حل‌های مبتکرانه و مرتبط با فرهنگ و هویت بومی، می‌تواند مؤثر واقع گردد. در این خصوص در میان منابع و پژوهش‌های خارجی می‌توان عنوان نمود که طبق یافته‌های کارر (۲۰۱۸) ارتباط بین میراث تاریخی و طراحی معاصر برای حفظ هویت فرهنگی و ایجاد فضاهای معنادار حیاتی است. طراحان می‌توانند نمادهایی معنایی از میراث فرهنگی را در طرح‌های مدرن ادغام کنند، ارتباطات فرهنگی را تقویت کنند و با افکار و فرهنگ کاربران هماهنگ شوند (Karrar, 2018). سولودیلوا (۲۰۲۰) نیز در پژوهشی با نام «ضرورت استفاده از فرهنگ توسعه‌یافته سنت‌ها در معماری معاصر جنوب روسیه» بر اهمیت ترکیب عناصر فرهنگی سنتی با معماری معاصر برای حفظ حس هویت منطقه‌ای تأکید دارد (Solodilova, 2020). داریو و سیلوا (۲۰۲۰) نیز در مطالعات خود به اثربخشی واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) در افزایش درک زمینه‌های تاریخی و الگوهای معنایی تأکید می‌کنند. آن‌ها اعلام می‌نمایند که این فناوری‌ها تجربیات همه‌جانبه‌ای را در آموزش میراث ترویج می‌کنند. به کاربران اجازه می‌دهند مکان‌های تاریخی را تجسم کنند و با آن‌ها تعامل داشته باشند، حتی آن‌هایی که در ویرانه‌ها یا در معرض خطر هستند (Dario & Silva, 2020). در میان پژوهش‌های داخلی اعتمادی‌پور (۱۴۰۰)، و اعتمادی‌پور و مهدی‌نژاد (۱۴۰۰)، و رحمانی و ندیمی (۱۳۹۸) با کمک روش سندکاوی، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل متن و کدگذاری ادبیات، بیان می‌کنند کیفیت‌بخشی به محیط با تلاش برای ارتقای معنا گره خورده است و می‌توان برای ارزیابی کیفیت محیط از عوامل معناشناسانه بهره‌گیری نمود. همچنین توجه به وجوه هویتی معماری مسکن در گرو تقویت ابعاد معناشناختی در طراحی است. آنان یکی از راهکارهای مؤثر در طراحی مسکن معنامحور را بهره‌گیری طراحان از مؤلفه‌های عملکرد، کالبد، مقیاس، سابقهٔ تاریخی، تجربهٔ فردی، رویداد اجتماعی، عوامل فیزیولوزیکی و روان‌شناختی، رفتارهای فردی و اجتماعی و نیز توجه به مؤلفهٔ مؤثر بر حس تعلق به مکان و اجتماع در قالبِ سطوح مختلف نشانه در طراحی، معرفی می‌کنند (اعتمادی‌پور، ۱۴۰۰؛ اعتمادی‌پور و مهدی‌نژاد، ۱۴۰۰؛ رحمانی و ندیمی، ۱۳۹۸).

اسلام‌پور و همکاران (۱۴۰۰) نیز با رویکردی کیفی و به روش گراندد‌تئوری ازطریقِ اسناد کتابخانه‌ای، استفاده از مفاهیم پدیدارشناسی و بر پایهٔ مطالعات هستی‌شناسانه و کدگذاری مفاهیم بیان می‌کنند که شناخت مؤلفه‌های کالبدی معنابخش به خانه به‌عنوان یک مکان می‌تواند در ایجاد مکان معنادار برای انسان مفید واقع گردد (اسلام‌پور و همکاران، ۱۴۰۰). بین پژوهش‌های متعدد که درخصوص گونه‌شناسی خانه‌های سنتی به انجام رسیده، حسینی‌نیا و همکاران (۱۳۹۹) به کمک روش تاریخی- تحلیلی به معرفی و گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی اردبیل پرداختند. آن‌ها علاوه‌بر بررسی عناصر کالبدی، نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی همچون توجه به رعایت اصل محرمیت، مواردی مانند تفکیک فضاهای ساختمانی در مقیاس عظیم با دارا بودن حوزه‌بندی عمومی و خصوصی و داشتن آذین‌های بسیار در درون، و سادگی در ظاهر بنا را که نشان‌دهندهٔ رتبهٔ اجتماعی صاحب‌خانه است، مؤثر بر نوع شکل‌گیری خانه‌ها می‌دانند. در پژوهشی مشابه زارعی و همکاران (۱۴۰۰) با رویکردی تاریخی و روش توصیفی- تحلیلی بیان می‌کنند که عوامل مختلفی همچون اقلیم و فرهنگ بر چگونگی ساختار شکل‌گیری خانه‌های مسکونی تأثیرگذار هستند و با شناخت عناصر ساختاری و کالبدی ازطریقِ درک اصول و ارزش‌های حاکم بر معماری مسکونی به تعیین هویت خانه‌ها می‌پردازند. در همین راستا سلطان‌زاده و قاسمی‌نیا (۱۳۹۰) با کمک روش توصیفی- تحلیلی و تطبیقی در گونه‌شناسی ساختار کالبدی- عملکردی معماری مسکونی استان گلستان، نتیجه گرفته‌اند باوجود وحدت و یکپارچگی در سیمای کلی معماری بومی خانه‌ها، براساس تفاوت در برخی پدیده‌ها ازجمله ویژگی‌های اقلیمی محلی (خرده‌اقلیم‌ها)، محیط فرهنگی- اجتماعی و خصوصیات جمعیتی می‌توان دسته‌بندی متفاوتی در گونه‌شناسی خانه‌ها انجام داد.

با استناد به مدارک موجود می‌توان یادآور شد اگرچه پژوهش‌های بی‌شماری درخصوص تأثیر توجه به الگوهای

معنایی منطقه‌گرا در طراحی معاصر انجام گردیده، لیکن به تحقیقات منسجمی درخصوص شناخت و دسته‌بندی شاخص‌های معنایی در خانه‌های تاریخی پرداخته نشده است. پژوهش‌های مشابه مفاهیم کلی را مورد بررسی قرار داده‌اند. باتوجه‌به این کاستی به نظر می‌رسد، بازشناخت شاخص‌های معنایی در گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی لاهیجان به‌عنوان نمونهٔ مطالعاتی در یک چارچوب علمی و تبیین‌گر از ضروریات حوزهٔ مطالعاتی پیش‌رو می‌باشد.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

ماهیت گونه‌شناسیِ معنایی در اندیشه‌های گونه‌شناسی

گونه به نوعی دسته‌بندی اطلاق می‌گردد که در آن تعدادی از اشیای مختلف براساس یک سری از ویژگی‌های مشترک، سازماندهی می‌شوند (Taheri et al, 2020: 152). براساس آنچه در تعریف و فرایند انواع گونه‌شناسی طبق جدول ۱ رخ می‌دهد، می‌توان برداشت نمود که علی‌رغم تقسیم‌بندی انجام‌شده،

جدول ۱. دسته‌بندی انواع گونه‌شناسی و تحلیل نظریه‌های مرتبط

روش گونه‌شناسی	معیار	شاخص	فرایند گونه‌شناسی	دلایل نپذیرفتن نگرش تک‌سویهٔ گونه
گونه‌شناسی اقلیمی[۱]	بودن در یک اقلیم مشابه، داشتن راه‌حل‌های معماری مشابه	شاخص‌های اقلیمی (دما، باد، رطوبت، تابش و ...)	تفسیر ویژگی‌های کالبدی بنا با ویژگی‌های اقلیمی	-تنوع گونه‌های اقلیمی در یک اقلیم مشابه، -تکرار یک گونه در اقلیم‌های متفاوت، -عدم جامعیت به‌دلیل عدم تعدد شاخص‌ها، -عدم تأثیرگذاری صرف شاخص اقلیمی در شکل‌گیری فرم و فضای معماری.
گونه‌شناسی شکلی[۲]	تشابه شکلی	فرم‌های پایه	تجزیهٔ فرم به شکل‌های پایه و به دست آوردن ترکیب‌های متنوع ازطریقِ تقارن، دوران، تکرار، بازتاب و حذف اجزای شکل (دوران)	- معیار مهم در تعریف تشابه شکلی، - پرداخته نشدن به سایر شاخص‌ها مانند زمان، مکان، مقیاس و ...، - نگاه چندوجهی نداشتن به معماری، - جست‌وجوی صرف تنها در ترکیبِ دوبعدی پلان.
گونه‌شناسی تاریخی - تکاملی[۳]	ریشهٔ مشترک تاریخی	شاخص‌های شکلی و کالبدی برای تحلیل فرم	یافتن ریشه مشترک، کشف تغییرات، رشد گونه و شناخت و شناسایی گونهٔ پایه و ترسیم روند رشد کالبدی گونه	- نگاه صرف به تغییر فرم از گونهٔ پایه به تکامل‌یافته، - بی‌توجهی به سایر شاخص‌های تأثیرگذار.
گونه‌شناسی فضاگرا[۴]	حرکت در فضای داخلی	گشایش، شفافیت و سبکی فضایی	- داشتن دیدگاه فضایی به تاریخ معماری و تمرکز بر حرکت در فضا	- نگاه صرفِ ترجمان شکلی به فضا، - سنجش فضا تنها براساس معیار روابط بین شکل‌ها در فضا.
گونه‌شناسی فرهنگی - اجتماعی[۵]	روابط اجتماعی در فضا	جنوتایپ (ارتباط فضا با یکدیگر و محیط اطراف)	- تفسیر براساس روابط اجتماعی در فضا به دو صورت: جنوتایپ (قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی) و فنو تایپ (کالبد بنا)	- توجه صرف به عوامل اجتماعی، - بی‌توجهی به سایر شاخص‌ها در شکل‌گیری جنوتایپ همچون مقیاس، تناسبات و مواردی مشابه، - عدم جامعیت تیپولوژی.
گونه‌شناسی معناگرا[۶]	تشابه معنا	فرم، فضا، سطح و رنگ و ماده	- ویژگی‌های معناییِ اساس درک این نوع گونه‌شناسی	- عدم تعریف مشخص از کالبد، - مشخص نبودن چگونگی دستیابی به شاخص‌ها.

(برگرفته از مشهدی و امین‌پور، ۱۳۹۵)

نگاه به پدیده‌ها جهت شناخت و دسته‌بندی آن‌ها نمی‌تواند با یک نگرش یک‌سویه بررسی شود و معیارهای این شناخت بسته به نگاه محقق می‌تواند متفاوت باشد (Memarian & Dehghani Tafti, 2018: 22).

به عقیده کولکوهن، گونه‌شناسی را می‌توان به‌عنوان دانشی در رابطه با راه‌حل‌های گذشته دانست. این دانش برای انطباق فرم‌هایی ریشه‌گرفته از نیازها و ایدئولوژی‌های زیبایی‌شناسیِ گذشته، در تناسب با نیازهای امروز به کار برده می‌شود (Colquhoun,1981: 123). نئو نیزگونه را به عنوان یک مفهوم که یک گروه از اشیا را با ساختار فرمی مشابه مشخص می‌کند، تعریف می‌کند. او معتقد است گونه یک دیاگرام فضایی نیست. این گونه پایه‌ای براساس شباهت‌های ذاتی و ساختاری گروهی از اشیای مشخص دارد. طبق یافته‌های معماریان و تفتی (۲۰۱۸) دیدگاه‌های مطرح در زمینهٔ گونه‌شناسی به دو دستهٔ کلی مادی و محتوایی تقسیم شده‌اند. در دستهٔ اول، گونه‌شناسی دارای ماهیتی مادی است. دیدگاه‌های این دسته، فرم را فاقد محتوا دانسته و ابعاد متافیزیکی و تجربیات را نادیده می‌انگارد. در دستهٔ دوم برای نظریه‌پردازان جنبه‌های شهودی و متافیزیکی گونه اهمیت دارد (جدول۲).

جدول۲. جمع‌بندی نظریات متفاوتِ معاصر در تعریف گونه و گونه‌شناسی و ماهیت آنها

	نظریه‌پرداز	عقاید و دیدگاه‌ها	محوریت تمرکز در تعریف ماهیت‌گونه
جنبه مادی ، فیزیکی و ریخت شناسانه(گونه شناسی کالبدی)	دوران (۱۸۳۰)	معماری، هنر ترکیب اشکال است و نقطه‌ضعف آن نادیده گرفتن جنبه‌های کیفی و طبقه‌بندی اشکال پایه، و ترکیب‌بندی شکلی است.	جنبه‌های شکلی و ترکیب آن
	موراتوری (۱۹۴۸)	میراث معماری هر مکان در مفهوم گونه و نقطه‌ضعف آن اشکال در شناخت گونهٔ پایه، و دیدگاه تاریخی- تکاملی است.	ماهیت و جبر مادی و جسمی، و توجه به سیر زمانی
	آرگان (۱۹۶۰)	تحلیل و ساده‌سازی پیکره‌بندی و عملکردهای فیزیکی ساختمان	جنبه‌های شکلی و عملکردی
	آلدو روسی (۱۹۶۶)	گونه، امری ثابت و مقدم بر فرم و مشتمل بر آن است. شناسایی و دسته‌بندی گونه‌ها براساس خصوصیات مورفولوژیک[۷] است.	جنبه‌های ریخت‌شناسانه و شکلی ساختمان
	کرایر (۱۹۷۵)	ارتباط جدایی‌ناپذیر کارکرد، سازه و شکل، توضیح تداوم شکلی و ساختاری	جنبه‌های شکلی و موضع تاریخی
	دی کانسی (۱۸۴۴)	گونهٔ ریشه‌دار در سرشت دین، مفاهیم تاریخی و بناها و یادمان‌ها با هنر خود توسعه یافته است. شِما[۸]یا یک طبقه‌بندی زیبایی‌شناسانه، متافیزیکی و شناخت‌شناسانه.	جنبه‌های غیرمادی، و غیرکالبدی و ذهنی
جنبه غیرمادی، متافیزیکی و محتوایی(گونه شناسی معنایی)	اردلان و بختیار (۱۹۷۳)	تعریف گونه با جنبه‌های معنایی و متافیزیکی تحت‌عنوان آرکی‌تایپ[۹]، یک واقعیت موجود در عالم ملکوت به صورت‌های گوناگون است.	اصالت با جنبه‌های معنایی و متافیزیکی
	مونئو (۱۹۷۸)	گونه به‌عنوان پایه‌ای دارای شباهت‌های ذاتی و ساختاریِ گروهی مشخص، یک مفهوم و ابزار برای ارتباط گذشته و آینده است.	جنبه‌های شکلی و کالبدی، و محتوایی و غیرمادی
	کولکوهن (۱۹۸۱)	دانشی از راه‌حل‌های گذشته است که برای انطباق فرم‌های ریشه‌گرفته از نیازها و زیبایی‌شناسی گذشته در تناسب با نیازهای امروز به کار گرفته می‌شود.	جنبه‌های شهودی، متافیزیک و تجربیات گذشته
	استدمن(۱۹۸۳)	الگویی نهفته در ورای اشکال معماری و استفاده از «نمودارتوجیهی» برای شبیه‌سازی الگوهای مختلف است.	جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی
	هیلیر و هانسن (۱۹۸۳)	استفاده از گونهٔ زیستی (جنوتایپ[۱۰] یا قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی) و گونهٔ کالبدی (فنوتایپ[۱۱] یا ظاهر و جسم بنا) برای تحلیل روابط فضایی است.	جنبه‌های اجتماعی گونه در کنار ویژگی‌های شکلی
	معماریان (۲۰۱۸)	گونهٔ یا شِما به‌عنوان نمایندهٔ گروهی از بناها در ذهن معمار، سه بعدِ کالبدی (اندام‌های کالبدی) و شیوهٔ زندگی عجین‌شدهٔ ساکنان بنا (طرح‌واره‌ها) را شامل می‌شود.	جنبه‌های مادی و شکلی در کنار منابع مذهبی، فرهنگی، اقلیم و ... .

(معماریان و تفتی، ۱۳۹۷: ۲۹)

آنچه در این پژوهش باتوجه‌به هدف، از مفهوم گونه مد نظر است، تعریفی همه‌جانبه از آن به‌لحاظ در برگیرندگی توأمانِ جنبه‌های شکلی و متافیزیک گونه می باشد.[۱۲] لذا طبق تعریفی که معماریان از گونه ارائه داده است، می‌توان گفت اگر گونه را شِما، تصویر ساده و کلیِ گروهی از ساختمان‌های مشابه بدانیم، این تصویر ذهنی با اندام‌های فیزیکی و جسمی خاص که معمار آن را می‌شناسد، شخصیت و تحقق می‌یابد (Memarian & Dehghani Tafti, 2018: 30) اندام‌های فیزیکی و مادیِ سازندهٔ شمای ذهنی مشتمل بر چهار دستهٔ «اندام‌های فضایی»، «اندام‌های سازه‌ای و ساخت‌مایه»، «اندام‌های نما» و «اندام‌های آرایه‌ای و تزییناتی» هستند که در تناسب با دانش و توجهات معماران گذشته، طبقه‌بندی شده‌اند[۱۳] (Memarian & Dehghani Tafti, 2018: 32). در این راستا به‌جز اندام‌های کالبدی با ماهیت مادی، واقعیاتی نهفته در لایه‌های عمیق‌تر کالبد باید جست‌وجو شوند که باتوجه‌به مسیر پژوهش حاضر مستلزم بررسی مفهومی تحت‌عنوان "طرح‌واره" خواهد بود.

طرح‌واره

طرح‌واره‌ها نقشه‌های معنایی-کالبدی هستند که در یک گونه از بنا سازمان یافته و با اندام‌های مختلف تحقق می‌یابند. این راه‌حل‌ها در شرایط متفاوت قابل تکرار، تعمیم، و تغییر شکل دادن هستند. طرح‌واره‌ها نقشه‌های واقعی در ذهن معمار می‌باشند که ماهیتی برزخی بین عالم معنا و عالم ماده دارند و می‌توانند به‌عنوان واسطی بین مفاهیم اخذشده از مبانی و منابع با اندام‌های معماری باشند. شناسایی بخشی از طرح‌واره‌ها، از فهم تجربهٔ زندگی ساکنان بنا حاصل می شود. محقق می‌تواند با این شناخت، با منطق ایجاد و کاربرد فضا و حس زیستن در اندام‌های معماری آشنا شود و ازاین‌طریق، معنای جزء و کل فضاهای معماری را در یابد. آگاهی به این تجربیات و احساسات در کنار اندام‌های کالبدی، معنای گونه را از یک تعریف صرفاً مادی خارج می‌کند و آن را به منابع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، آداب‌ورسوم، معیشت و اقلیم پیوند می‌زند (Memarian & Dehghani Tafti, 2018: 33).

شناخت منابع معنا و ارزش‌های آن در گونه‌شناسی معنایی

ادراک و شناخت معنی در روند مواجههٔ انسان با محیط رخ می‌دهد و فرد براساس پیش‌زمینهٔ ذهنی و انتظاری که از محیط دارد، محرکه‌های آن را دریافت می‌کند. پاره‌ای از تئوریسین‌ها بر این اصل اعتقاد دارند که با طراحی محیط کالبدی، معنا به وجود می‌آید (rapaport, 1982: 130). از دیدگاه ایشان ساختار کالبدی محیط همانند یک نشانه عمل می‌کند و باعث انتقال معنا می‌شود. ازنظرِ راپاپورت ذهن انسان با استفاده از طبقه‌بندی اشکال و انگاره‌ها و طرح‌واره‌هایی که در ذهن دارد، به جهان اطراف خود معنی می‌دهد. ساخت طرح‌واره متأثر از فرهنگ افراد می‌باشد و براساس معناهایی که برای آن‌ها قائل است، آن‌ها را در ذهن خود طبقه‌بندی می‌کند (Rapaport,1982: 142). در نگرش روان‌شناسی محیطی شناخت معنی دو رویکرد عمده دارد: رویکرد اول معنی دارای سلسله‌مراتب طولی می‌بینند و برای آن سطوح بالاتری قائل است. رویکرد دوم، ارزش مساوی بین سطوح مختلف و انواع معنی را دنبال می‌کند (Hershberger&Cass, 1974: 113)؛ (Gifford, 1987: 221). درک نحوهٔ استفاده، عملکرد و هدف محیط، لایهٔ معنی عملکردی را می‌سازند. ارجاعات محیط به ارزش‌های فرهنگی اجتماعی نیز در همین مرحله صورت می‌گیرد. این ارجاعات به ارزش‌های عملکردی و فراعملکردی موجب برانگیخته شدن احساسات و قضاوت آن براساس ارزشی که دارد، می‌گردد و در نهایت به‌شکل واکنش رفتاری نشان داده می‌شود. لایه‌های معنی هر دو وجه ادراک و ارزیابی محیط را در بر می‌گیرد (رحمانی و ندیمی، ۱۳۹۸: ۵۳)، (جدول ۳).

در این راستا رابرت هرشبرگر نیز معنا را در دو گروه عینی و ذهنی، و در ۵ سطح، شامل ادراک شکل و فرم، معنای رجوع‌کننده، معنای عاطفی، معنای ارزشیابانه و معنای تجویزی طبقه‌بندی می‌کند (Hershberger, 2009). ارزش‌های مرتبط با میراث معماری را نیز می‌توان در دو وجه ارزش‌های ملموس (عناصر کالبدی) و ناملموس (ارزش‌های معنایی) تقسیم کرد. میراث ناملموس، جنبه‌های غیرفیزیکی یک فرهنگ یا آداب‌ورسوم جامعه در یک دورهٔ زمانی یا راه‌وروش زندگی در جامعه را که معمولاً قوانین رسمی عمومی برای کارکرد در یک فضای فرهنگی خاص هستند، در بر می‌گیرد. این میراث شامل روند ساخت‌وساز و تغییرات انجام‌شده، معانی و ارتباطات فضایی، زندگی‌نامهٔ افراد واقع در مکان، پیام‌ها و حسی است که بنا آن‌ها ایجاد می‌کند (شکل ۱).

شناخت مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخشِ معنا در گونه‌شناسی معنایی

در تجلی معنای مکان، کالبد و عناصر آن عینیتی هستند که در قالب هستی ساکنان آن متجلی می‌شوند. به عقیده برخی از صاحب‌نظران ازجمله ابعاد شکل‌دهندهٔ معنای مکان می‌توان به تنوع بصری، هندسهٔ مکان، محصوریت و تناسبات کالبدی، مبلمان و استفاده از نمادها اشاره نمود (وحدت و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۱). برخی نیز شفافیت در معماری را از عوامل کالبدی معنابخش معرفی کرده‌اند. در این راستا دیدگاه شان این است که با مفاهیمی چون نور، پویایی و سیالیت، تداوم

و پیوستگی فضایی، ارتباط درون و بیرون، ماده‌زایی و سبکی، انعطاف و سازگاری، مطلوبیت و خوانایی و گشایش فضایی، معنا در معماری نمود پیدا کرده است (سعادت و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲). در نگاه پدیدارشناسانهٔ شولتز نیز یکی از ابعاد معنابخشی در معماری، فضا می‌باشد و از مهم‌ترین عوامل معنابخش تعریف‌کنندهٔ فضا، ارتباط عرصهٔ درونی و بیرونی، به‌کارگیری مصالح طبیعی، مقیاس، رنگ، ریتم، مرز، حصار و مرکزیت است (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۳: ۱۱۲). از دیدگاه از دیدگاه پالاسما با اتکا بر ادراکات حسی انسان دربارهٔ کیفیات عناصر کالبدی در فضا، مانند دیالکتیک فضای درون و بیرون، نمایش مصالح طبیعی، به‌کارگیری مقیاس انسانی، نور، تداوم بصری، و بافت و رنگ، می‌توان توجه انسان را به مفاهیمی همچون زمان، حرکت، جهان و وجود خدا معطوف کرد (پالاسما، ۱۳۸۸: ۵۲). فضای بسته (اتاق)، نیمه‌باز (ایوان) و باز (حیاط) و نور نیز به‌عنوان عوامل معنابخش در معماری معرفی شده‌اند. فضا با به‌کارگیری هندسه، تزیینات، نور و سایه -روشن، اتاق‌ها

جدول۳. تعریف و دسته‌بندی وجوه معنا در نگرش روان‌شناسی محیط

	دسته‌بندی و تعریف	نتیجهٔ مطالعاتی رویکرد بر روی محیط ساخته‌شده	سطح‌بندی و تعریف			وجوهه
			عملکردی	فراعملکردی	عاطفی	
رویکردهای اصلی نگرش روان شناسی محیطی به معنی	دستهٔ اول: معنی‌دارای سلسله‌مراتب طولی و دارایِ سطوح بالاتر از سطوح قراردادی، و دریافت معانی توسط مخاطب ماهر و دارای دو سطح عملکردی و فراعملکردی	معانی سطح بالا با ارجاع محیط به جهان‌شناسی، اسکیماهای فرهنگی و نظام‌های فلسفی همراه است (Jung, 1983)؛ (Rapaport, 1982)؛ (Clapham, 2011)؛ (Coolen, Harre, 2002)؛ 2006)	معانی سطح پایین و روزمره با اهداف کارکردی	معانی بااهمیت، عمق و شدت بالاتر، شامل ارجاع به مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و ارزشی	شامل یک تجربهٔ شخصی است که موجب گره خوردن هویت فردی با معنیِ محیط شده و ایجادکنندهٔ حس تعلق به محیط است.	تعریف
	دستهٔ دوم: ارزش مساوی بین سطوح و انواع مختلف معنی، لایه‌ها دارای سلسله‌مراتب عرضی، و دریافت معانی توسط مخاطب عام در تمامی لایه‌ها و دارای سه سطح: عملکردی، فراعملکردی و عاطفی.	معنی به‌جز انتقال عملکرد محیط و درک ارزش‌های فرهنگی اجتماعی مشترک توسط گروه های مخاطب، دارای وجه شخصی و احساسی متفاوت بین افراد است (Gifford,1987)؛ (Hershberger&Cass,1974)	- اهداف عملکردی - ویژگی‌های عملکردی - هدف محیط شامل قابلیت دسترسی، میزان نفوذپذیری، سازمان نشستن، حرکت، پیداکردن راه	- معانی نمادین و اسطوره‌ای - ارتباط شامل انتقال مفاهیم فلسفی، معماری، اجتماعی یا سیاسی - جهان‌شناسی، اسکیماهای فرهنگی، نگرش به جهان، نظام‌های فلسفی و مقدس - صرفه‌جویی در انرژی	- منحصربه‌فرد بودن، آشنایی - حس تعلق، حس مکان - شادمانی، احساس مسئولیت، خلوت، تمایل به بازگشت - هویت فردی - اثرگذاری - شأن و منزلت اجتماعی - نیرومندی - فعالیت - خوشایندی، اصالت و نوآوری - پیچیدگی، وحدت، فضامندی - ارزیابی عمومی، ارزیابی تسهیلات، ارزیابی زیبایی، حس فضا، مرتب بودن و تمیزی، دما و نور.	لایه ها

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

را تعریف می‌کند. بازشوها نیز کیفیات متنوعی از ارتباط حیاط با اتاق و شفافیت را رقم می‌زنند (حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵: ۲۷). علاوه‌برآن، فضاسازی در خانه‌های گذشته به‌گونه‌ای بوده که با بهره‌گیری از اختلاف ارتفاع، تنوع فضایی را ایجاد و به‌دنبال آن تنوع حرکتی در سه بعد را دنبال می‌کرده است. فضای باز، بسته و نیمه‌باز با هم در ارتباط بوده، به کارکردهای هر فضا تنوع می‌بخشیده، و وجود سلسله‌مراتب، قلمرو عمومی تا نیمه‌عمومی- خصوصی و خصوصی را تعریف می‌کرده است (آقالطیفی و حجت، ۱۳۹۷: ۴۵).

شناخت طرح‌واره‌ها در خانه‌هایِ تاریخی ایران

همان‌طور که در پیش آورده شد، طرح‌واره‌ها واقعیاتی هستند که هرچند خود را در نهایت به‌صورت اندام‌های کالبدی معرفی می‌کنند اما در لایه‌های عمیق‌تری از معنای کالبدی باید جست‌وجو شوند. درواقع به‌عنوان یک واسط مفاهیم را به زبان معماری ترجمه کرده و معمار با اندام‌ها و اجزای معماری آن را تحقق می‌بخشد. مهم‌ترین طرح‌واره‌هایی که باتوجه‌به داده‌های میدانی، شفاهی و تجربیات معماران و باشندگان (ساکنان) در بناهای گذشته ایران به دست آمده‌اند، طرح‌وارهٔ اقلیمی- معماری، طرح‌وارهٔ حریم، طرح‌وارهٔ فعالیت‌های روزمره، طرح‌وارهٔ ارتباط با طبیعت، طرح‌وارهٔ پدرسالاری یا هم‌زیستی فامیلی، طرح‌وارهٔ بهشت، طرح‌وارهٔ وحدت و ذکر، طرح‌وارهٔ اعداد و ... هستند (Memarian & Tafti, 2018: 31). در این میان طرح‌وارهٔ فعالیت‌های روزمره، از ابتدایی‌ترین و دیرینه‌ترین طرح‌واره‌ها است که به‌دنبال پاسخ‌گویی به نیازهای متفاوت و فعالیت‌های انسان در ظرف معماری می‌باشد. طرح‌وارهٔ اقلیمی- معماری مجموعه‌ای از راه‌حل‌های گوناگون در اندام‌های مختلف معماری در جهت دستیابی به آسایش نسبی اقلیمی می‌باشد. طرح‌وارهٔ حریم، مجموعه‌ای از راه‌حل‌هایی است که معماران ایرانی با فراگیری از منابع فرهنگی و مذهبی به‌منظور دور نگه داشتن چشم نامحرم از اعضای مؤنث خانه به کار می‌بردند. مفهوم آن در مقیاس‌های مختلف در روابط خانوادگی و اجتماعی و نظام شخصیتی انسان‌ها قابل تعریف است. براین‌اساس می‌توان گفت طرح‌واره‌ها در یک نظامِ به‌هم‌پیوسته عمل می‌نمایند و متناسب با بنای معماری درجهٔ حضور پیدا می‌کنند. لذا تعداد آن‌ها نیز متناسب با زمینه و محیط کار در گونه‌شناسی‌ها می‌تواند متغیر باشد. براساس اهداف پژوهش در بین طرح‌واره‌های معرفی‌شده، طرح‌وارهٔ عملکردی، طرح‌وارهٔ حریم، طرح‌وارهٔ سبک زندگی، و طرح‌وارهٔ اقلیم به‌عنوان طرح‌واره‌های متناسب با نوع کاربریِ نمونه‌های موردی جهت بررسی انتخاب شده‌اند (شکل ۲).

طرح‌وارهٔ عملکردی

طرح‌وارهٔ عملکردی به چارچوب شناختی اشاره می‌نماید که ادراک و سازماندهی کاربردهای عملی، چیدمان فضایی و عملکرد کارآمد اشیا و فضاها را شکل می‌دهد. عملکرد مطلوب یک فضا زمانی حادث می‌شود که در ارتباط با سایر بخش‌های موجود در بنا بتواند انتظارات کاربران خویش را تأمین نماید (حیدری و کیایی، ۱۳۹۸: ۱). عوامل مختلفی

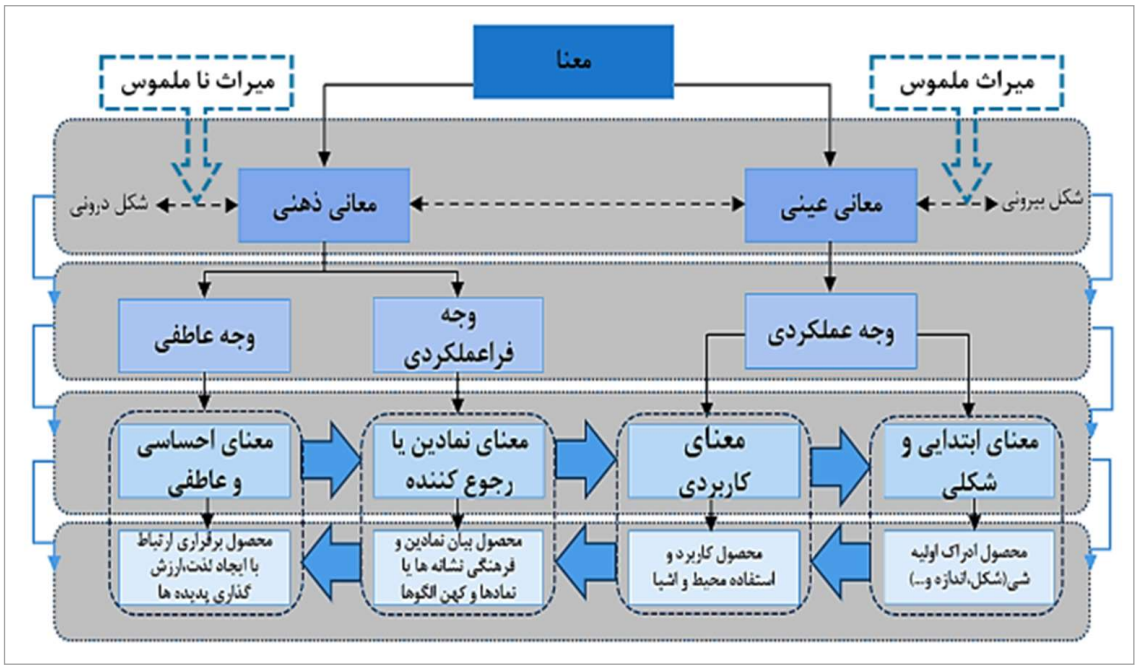

شکل ۱. سلسله‌مراتب ارزش‌های معنایی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

بر عملکرد یک بنا تأثیرگذار است که ازآن‌جمله، می‌توان به کیفیت فضاهای موجود، تعداد و موقعیت آن‌ها، میزان، و نحوۀ ارتباطات اشاره نمود. هرکدام از این موارد می‌تواند بر شکل‌گیری الگوهای فعالیتی ساکنین در فضاهای مختلف بنا تأثیرگذار باشد (حیدری و کیایی، ۱۳۹۸: ۲). کیفیت در معماری، گنجاندن دستورالعمل و تاریخ معماری نیست بلکه از قابلیت حرکت در فضا حاصل می‌شود (زومتور، ۱۳۹۴: ۶۱). افزایش دسترسی به فضا، منجر به تسهیل در روابط فضا و در نتیجه افزایش عملکرد مطلوب فضا می‌گردد. براین‌اساس میزان راندمان عملکردی فضا در ارتباط با دسترسی‌پذیری در چهار مفهوم «کیفیت نفوذپذیری»، «کیفیت انعطاف‌پذیری»، «کیفیت ارتباط میان اجزا» و «میزان یکپارچگی فضایی» قابل ارزیابی می‌باشد.

طرحوارۀ محرمیت

طرحوارۀ حریم خصوصی به چارچوب شناختی اشاره می‌نماید که ادراک و سازماندهی فضای شخصی، انزوا، و مرزبندی‌ها را شکل می‌دهد و در رابطه با تقسیم فضایی مناطق خصوصی و عمومی، ادغام ویژگی‌های افزایش‌دهندۀ حریم خصوصی، و در نظر گرفتن شیوه‌های اجتماعی مرتبط با حریم خصوصی بحث می‌کند. محرمیت در معماری به معنای کالبد دادن به فضا، به‌گونه‌ای است که دارای حریم در دو بعد کالبدی و معنایی باشد (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۶). محرمیت در خانه‌های سنتی به اشکال مختلفی ازجمله درون‌گرایی و تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی تجلی یافته است (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). بنا به اعتقاد راپاپورت، مفهوم محرمیت یک اصل فرهنگی است و کیفیت آن به‌وسیلۀ ویژگی‌های فرهنگی تعیین می‌شود (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۸۳). در فرهنگ ایرانی خلوت جنبۀ فردی ندارد و به ارتباط فرد با دیگران مربوط است و محرمیت در آن، جنبه‌ای اجتماعی- فرهنگی دارد (امینی و نوروزیان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۱). «عرصه‌بندی»، «درون‌گرایی» و «سلسله‌مراتبِ دسترسی» کیفیت‌هایی هستند که بر اثر رابطۀ میان توده و فضا به وجود آمده‌اند و باعث ایجاد هویت‌های خاص در حوزۀ حریم برای فضاهای مسکونی می‌گردند (حیدری و تقی‌پور، ۱۳۹۹: ۶۳).

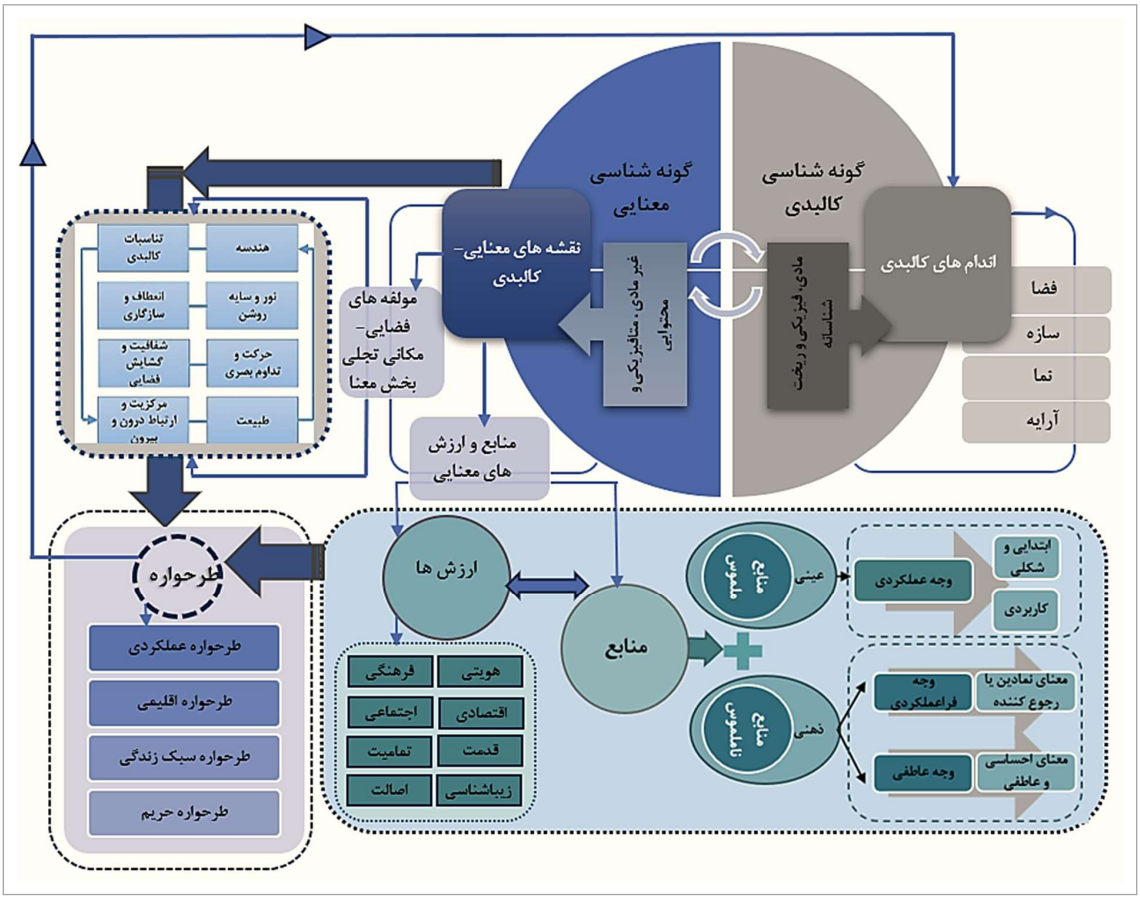

شکل۲. مدل مفهومی فرایند شکل‌گیری طرحواره‌ها در گونه‌شناسی معنایی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

طرح‌وارهٔ سبک زندگی

طرح‌وارهٔ سبک زندگی به چارچوب شناختی اطلاق می‌شود که ادراک و سازماندهیِ عناصر سبک زندگی تاریخی، اعمال اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی را در یک زمینهٔ تاریخی خاص شکل می‌دهد. سبک زندگی تأثیر زیادی بر معرفی الگوهای رفتاری و شیوهٔ زندگی افراد یک جامعه دارد و بر معماری نیز تأثیر می‌گذارد. سبک زندگی، روشی است که مردم برای رفتار یا فعالیت انتخاب می‌کنند تا دارای شخصیتی متمایز از دیگران باشند(rapoport,1998:2) . در ادبیات جامعه‌شناسی دو برداشت متفاوت از مفهوم سبک زندگی به دست آمده است. نخست سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است. در برداشت دوم، نه‌تنها سبک زندگی راهی برای تعیین طبقهٔ اجتماعی است بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۴). سبک زندگی در اعمال طبقه‌بندی‌شدهٔ فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریح، شیوه‌های معاشرت، خانه، آداب سخن گفتن، راه رفتن، و کارهای طبقه‌بندی‌شده در قالب ریختار متفاوت فضا بازنمایی می‌شود(bourdieu, 1977). با مطالعهٔ نظرات صاحب‌نظران می‌توان مؤلفه‌های سبک زندگی را به مؤلفه‌های «اجتماعی»، «فرهنگی» و« اقتصادی» دسته‌بندی کرد و نتیجه‌گیری نمود که در بستر خانه مؤلفهٔ اقتصادی می‌تواند بازنمایی از شغل و طبقهٔ اجتماعی خانواده، و مؤلفهٔ اجتماعی بازنمایی از ساختار خانواده، روابط اجتماعی، ازدواج خانوادگی، و مؤلفهٔ فرهنگی بازنمایی از محرمیت، مذهب و ... باشد.

طرح‌وارهٔ اقلیمی

طرح‌وارهٔ اقلیمی به چارچوب شناختی اطلاق می‌شود که ادراک و سازماندهی اقلیم، الگوهای آب‌وهوا و عناصر طبیعی را شکل می‌دهد. در معماری سنتی اقلیم عامل مؤثری در جهت‌گیری، سازمان‌دهی فضایی، شکل، نوع، سازه، مصالح و عناصر و اجزای بناها بوده است (زینلیان و اخوت، ۱۳۹۶: ۱۷). توجه به اقلیم و بوم یکی از مهم‌ترین مسایل در طراحی مسکن است چنانچه استفاده از عوامل تسریع‌کنندهٔ جریان هوا، مانند فرم بام، بخشی از تدابیر اقلیمی و نشان‌دهندهٔ حکمت معماری بومی می‌باشد (مهدوی‌نژاد و همکاران،۱۳۹۲: ۶۲). تأمین نور طبیعی برای فضاهای پیرامونی در طول روز ، ایجاد تهویه و محافظت در برابر گردوغبار، ایجاد خرده‌اقلیم در درون فضای زیستی جهت آسایش در محیط بیرونی را می‌توان از عوامل مؤثر بر استفاده از الگویی به‌منظور تأمین شرایط اقلیمی بیان کرد (تابان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰).

در پی بررسی پیشینه پژوهش ازطریقِ مرور منابع متعدد داخلی و خارجی، بخش مبانی نظری پژوهش تحلیل، و در نهایت ابعاد و شاخص‌های مورد نظر طبق جدول۴ به‌شکل خلاصه ارائه شده است.

روش پژوهش

نوع این پژوهش به‌گونه‌ای است که رویکرد ترکیبی کمّی- کیفی دارد و در مرحلهٔ مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد با ماهیتی توصیفی- تحلیلی پیگیری شده است. باتوجه‌به گسترگی موضوع معناشناسی و بنابر اهداف تعریف‌شده در این پژوهش، چون تحقیق به‌دنبال شناخت ویژگی‌های کالبدی محیط در ایجاد معنا است (طرح‌واره‌ها)، ضروری است شاخص‌هایی به‌منظور تحلیل انتخاب شوند که نمود فیزیکی داشته باشند و با تحلیل ساختار کالبدی- فضایی بنا بتوان تأثیر آن‌ها را در ارائه رهیافت‌های هویت‌ساز بیان کرد. لذا جهت تأیید و تحلیل طرح‌واره‌های خانه‌های تاریخی به‌دست‌آمده از بخش پیشینه، از مصاحبه با متخصصین حوزهٔ بافت‌های تاریخی بهره گرفته شده است. براساس تحلیل مبانی ارائه‌شده و مصاحبه‌های انجام‌شده با متخصصین، چهار طرح‌وارهٔ عملکردی، محرمیت، سبک زندگی و اقلیم به‌عنوان طرح‌واره‌های قابل بررسی در خانه‌های تاریخی معرفی شده‌اند (جدول۴). در ادامه با شناسایی طرح‌واره‌ها و زیرشاخص‌های مرتبط، جهت تأیید معناداری فرضیهٔ اصلی تبیین‌شدهٔ پژوهش به نظر می‌رسد بازتعریف طرح‌واره‌های (الگوهای معنایی- کالبدی) خانه‌های تاریخی دورهٔ قاجار لاهیجان می‌تواند بر هویت‌سازی و کیفیت‌بخشی طراحی ساختارهای معاصر در بافت تاریخی این منطقه مؤثر باشد. به‌منظور شناخت میزان اهمیت مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و نوع روابط اثرگذاری آن‌ها با تهیه پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخت، از روش تجزیه‌وتحلیل هم‌بستگی و از نرم‌افزار PLS استفاده گردیده است. جامعهٔ تحت‌بررسی این مرحله، ۸۰ نفر از ساکنان و متخصصین آشنا با بافت تاریخی لاهیجان می‌باشند. در انتها نتایج حاصل از آن به‌صورت رهیافت‌های هویت‌ساز در طراحی معاصر در زمینه‌های تاریخی ارائه می‌شود (شکل۳).

معرفی نمونه‌های موردی

شهر لاهیجان ازجمله مهم‌ترین کانون‌های معماری سنتی در استان گیلان است که گونه‌شناسی در آن باتوجه‌به تعدد خانه‌های بازمانده در بافت تاریخی به‌منظور قرار دادن نمونه‌های

جدول۴. شناخت و معرفی شاخص‌های مورد ارزیابی در گونه‌شناسی معنایی خانه‌های تاریخی لاهیجان

	نوع طرح‌واره	شاخص‌ها	تعاریف
گونه‌شناسی معنایی (طرح‌واره یا نقشه‌های معنایی- کالبدی)	طرح‌وارهٔ عملکردی		کارکرد مطلوب یک فضا براساس موقعیت آن فضا در نظام پیکره‌بندی و ارتباط آن با سایر بخش‌ها با هدف تأمین انتظارات کاربر
		کیفیت نفوذپذیری	امکان دسترسی به بخش‌های مختلف فضا (Dawson, ۲۰۰۲)
		کیفیت انعطاف‌پذیری	قابلیت استفاده از فضا به‌منظور انجام فعالیت‌های مختلف در زمان‌های متفاوت یا امکان تغییر فضا درراستای ایجاد فضایی با قابلیت مد نظر شامل سه مقولهٔ: «تنوع‌پذیری»، «تطبیق‌پذیری» و «تغییرپذیری» است (عینی‌فر، ۱۳۸۲). تنوع‌پذیری: قابلیت استفاده از فضا به‌منظور انجام فعالیت‌های مختلف می‌باشد. تطبیق‌پذیری: امکان انطباق فضاهای موجود با نیازهای مختلف ساکنین می‌باشد. تغییرپذیری: امکان اعمال تغییر در فضا به‌منظور تجمیع و یا تفکیک آن‌ها در جهت انجام فعالیت‌های مختلف می‌باشد.
		کیفیت یکپارچگی فضایی	میزان تعامل فضاها با هم در نظام پیکره‌بندی می‌باشد (حیدری و کیایی، ۱۳۹۹).
		کیفیت ارتباط میان اجزا	نوع ارتباط میان فضاهای مختلف و ایجاد نظام های فضایی متفاوت است. نظام یکپارچه و ادغام‌پذیر است. نظام سلسله‌مراتبی است (حیدری و کیایی، ۱۳۹۸).
	طرح‌وارهٔ محرمیت	تعریف محرمیت	دادن مرزبندی به فضا در دو بعد کالبدی و معنایی متمرکز بر امنیت (کالبدی)، ایجاد حرمت و ارزش برای فضا (معنایی) می‌باشد.
		درون‌گرایی	- ساماندهی اندام‌های مختلف بنا به‌شکل ویژه است که ثمرهٔ اهمیت به خانواده و حرمت و عزت نفس می‌باشد (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۶). - سازماندهی اندام‌های مختلف حول یک یا چند میان‌سرا و جداسازی بنا از جهان بیرون و ایجاد چند ورودی به‌عنوان راه ارتباطی می‌باشد (پیرنیا، ۱۳۸۳). - بر درون و قطع ارتباط مزاحم با بیرون تأکید می‌کند.
		عرصه‌بندی فضایی	-تفکیک فضا به دو عرصهٔ عمومی و خصوصی است به‌طوری که: ۱. کارکرد یکی بر دیگری تأثیر نگذارد ۲. شرایط استفاده همزمان از هر دو فراهم گردد. - الزام به دیده نشدن عرصهٔ زنانه ازسوی عرصهٔ مردانه است.
		سلسله‌مراتب	- سازماندهی و ترکیب‌بندی فضاها و عناصر براساس خصوصیات و ویژگی‌های کالبدی کارکردی بنا است. - پیدایش مراتبی جهت قرارگیری، استفاده یا مشاهده ساکنین (سلطان‌زاده،۱۳۷۲). - ظهور قلمروهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی، و کنترل دسترسی‌پذیری.
	طرح‌وارهٔ سبک زندگی		شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا و درک معانی نهفته در آن
		اقتصادی	در رابطهٔ میان سبک زندگی و مفهوم سکونت، مؤلفه اقتصادی یعنی: بازنمایی از شغل و طبقهٔ اجتماعی خانواده.
		اجتماعی	در رابطهٔ میان سبک زندگی و مفهوم سکونت، مؤلفه اجتماعی یعنی: بازنمایی از ساختار خانواده، روابط اجتماعی، ازدواج خانوادگی.
		فرهنگی	در رابطهٔ میان سبک زندگی و مفهوم سکونت، مؤلفه فرهنگی یعنی: بازنمایی از محرمیت و مذهب.

ادامه جدول۴. شناخت و معرفی شاخص‌های مورد ارزیابی در گونه‌شناسی معنایی خانه‌های تاریخی لاهیجان

	نوع طرح‌واره	شاخص‌ها	تعاریف
گونه‌شناسی معنایی (طرح‌واره یا نقشه‌های معنایی- کالبدی)	طرح‌وارهٔ اقلیمی		عامل سازمان‌دهی فضایی، شکل، نوع، سازه، مصالح و عناصر و اجزای بناها براساس الگوهای آب‌وهوایی و عناصر طبیعی است.
		تأمین خنکی با سایه و رطوبت و بهره‌گیری از جهت باد	ایجاد سازگاری اقلیمی ازطریقِ: ۱. جرزهای ضخیم، ۲. تابش‌بند، ۳. شیر سر لبهٔ بام[۱۴]، ۴. سایبان، ۵. درخت، ۶. حوض، ۷. توجه به جهت باد مطلوب، ۸. توجه به نوع بازشو در جهت باد مطلوب باتوجه‌به نوع اقلیم (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶).
		تناسبات و ترکیب عناصر	ایجاد سازگاری اقلیمی ازطریقِ: ۱. کاهش نسبت سطح به توده، ۲. ایوان ستون‌دار جلوی تالار، ۳. ایجاد حیاط مرکزی، ۴. مرتفع بودن فضا، ۵. تخلخل فضا، ۶. تقسیم‌بندی تابستان‌نشین و زمستان‌نشین (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶).
		مصالح	سازگاری اقلیمی ازطریقِ استفاده از مصالح بوم‌آورد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶).
		جهت‌گیری مناسب	سازگاری اقلیمی ازطریقِ توجه به رون مناسب در جهت برخورداری از نور و باد مطلوب (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶).

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

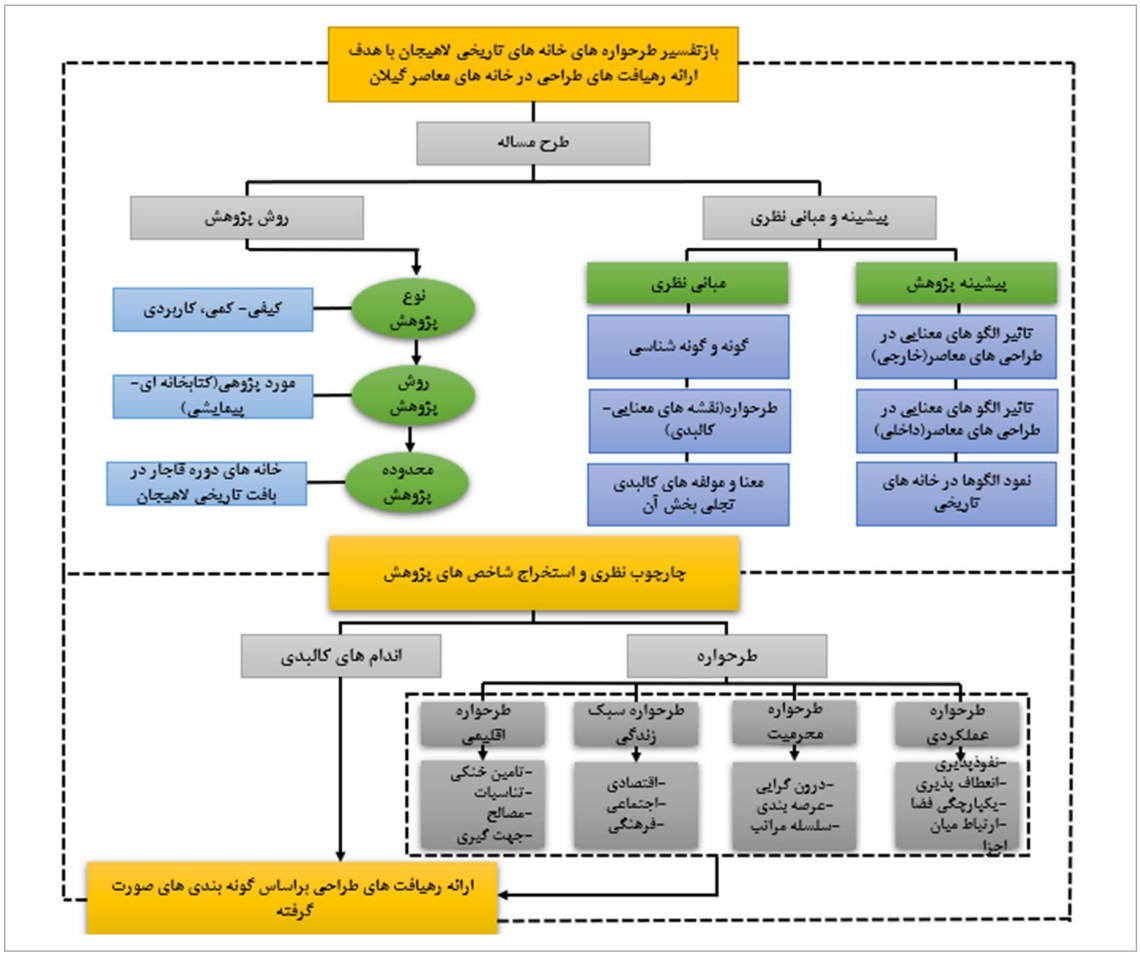

شکل۳. چارچوب فرایند انجام پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۳)

مشابه در یک گروه و قابلیت بررسی الگوهای به‌کاررفته بسیار پراهمیت می‌باشد. باتوجه‌به آنکه بخشی از مطالعهٔ میدانی با ساکنان و متخصصین آشنا با خانه‌های بافت تاریخی صورت گرفته، در جدول ۱۱ تعدادی از خانه‌های مورد مطالعه، معرفی شده است. نمونه‌های منتخب علاوه‌بر اینکه به‌علت داشتن اصالت کالبدی به‌عنوان بخشی از ارزشمندترین آثار معماری شهر هستند، به‌دلیل در قید حیات بودن ساکنان این خانه‌ها به‌عنوان پشتوانه‌ای در شناخت عمیق‌تر طرح‌واره‌های شکل‌دهندهٔ معنای خانه در این منطقه حائز اهمیت می‌باشند. برخی از این خانه‌های مربوط به بافت تاریخی خانه‌های صادقی، اصمعی، محصصی، دوزنده، رمضانی، کیاموسوی و ضیا ظریفی هستند (جدول۵).

یافته‌ها و بحث

در رابطه با چگونگی تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از گام‌های پژوهش حاضر، پژوهشگران با مطالعهٔ عمیق اسناد و بر مبنای داده‌های حاصل به تحلیل محتوا و استدلال منطق پرداختند. تحلیل‌ها باتوجه‌به اهداف تبیین‌شده در مقاله (شناخت و تبیین طرح‌واره‌های خانه‌های تاریخی لاهیجان و سنجش میزان اهمیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های مستخرج و ارائه رهیافت‌های هویت‌ساز در طراحی ساختارهای معاصر در زمینهٔ تاریخی مورد مطالعه)، انجام گرفته است. داده‌های پژوهش نیز ازطریقِ مصاحبه‌های باز با متخصصین که تجربهٔ کافی در حوزهٔ بافت‌های تاریخی داشته‌اند، به دست آمده است. تشریح تجزیه‌وتحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها باتوجه‌به

جدول۵. معرفی تعدادی از خانه‌های مورد مطالعه در بافت تاریخی لاهیجان

ویژگی‌های ساختاری بنا	خانهٔ صادقی	خانهٔ محصصی	خانهٔ رمضانی	خانهٔ دوزنده
نقشه	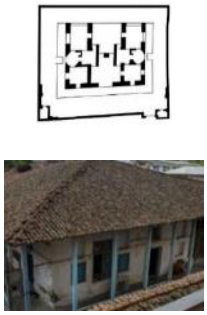	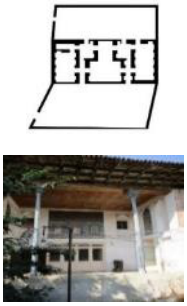		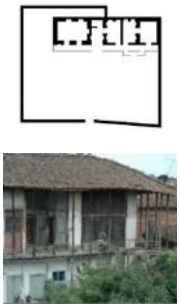
دوره	قاجار- ثبت آثار ملی:۱۳۵۴/۹/۲۴	قاجار- ثبت آثار ملی	قاجار	قاجار- ثبت آثار ملی
موقعیت جغرافیایی	لاهیجان- خیابان حافظ	لاهیجان- پرده سر	لاهیجان- گابنه- کوچه مسجد اکبریه	لاهیجان- خ سردار جنگل- کوچه ۵
الگوی جهت‌گیری	شمالی- جنوبی	شرقی-غربی	شرقی-غربی	شرقی-غربی
الگوی چینش در پلان	کوشکی	یک‌طرف ساخت	یک‌طرف ساخت	یک‌طرف ساخت
الگوی سازه، نما و آرایه	-ساختار یک اتاق اصلی با چهار اتاق جنبی، -ایوان عمیق دوستونی به‌همراه شاه‌نشین، -طاق گنبدی مقرنس‌کاری‌شده و ارسی‌های زیبای جبهه غربی، -گچبری طاقچه‌ها به سبک خانهٔ بروجردی‌ها در کاشان.	-حیاط دوطرفه و بنا در وسط، -ایوان عمیق دوستونی، -ارسی‌های زیبا در گشودگی‌های طبقهٔ دوم، -ایجاد تقارن در طبقهٔ اول ازطریقِ جانمایی پله در دوسوی ایوان دوستونی، -قرارگیری بنا روی گربه‌رو.	-ایجاد بنا در سه طبقه بر روی جرزهای آجری، -ایجاد دو بالکن رو به معبر در طبقات دوم و سوم بر روی سردر ورودی، -ایجاد دالان مستطیلی و ورود به بنا از جبههٔ شرقی، -پنجره‌های ساده رو به معبر در طبقات بالا.	-ایوان سرتاسری ضلع شرقی، -تزیینات خاص ارسی در گشودگی‌های بنا، -تزیینات زیبای گچبری در نمای بیرونی و دیواره‌های داخلی.

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

گسترده شدن بحث، در مقالهٔ حاضر گنجانده نشده و در پژوهشی دیگر بسط داده شده است. در ادامه، روند تجزیه‌وتحلیل مراحل مرتبط با سنجش میزان اهمیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های مستخرج در جامعهٔ آماری مورد مطالعه ازطریقِ پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته تشریح می‌گردد. لازم به توضیح است که جهت مطمئن شدن از قابل فهم بودن کلیهٔ سوالات، علاوه‌بر متخصصین، پرسش‌نامه در اختیار گروهی از اهالی نیز قرار گرفت سپس ابزار نهایی در اختیار پاسخ‌گویان قرار گرفت. افزون‌بر آن، پژوهشگران در هنگام مراجعه به جامعهٔ آماری هدف برای تکمیل پرسش‌نامه، به پرسش‌های احتمالی و ابهامات آن‌ها نیز پاسخ دادند.

برازش مدل اندازه‌گیری

در بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری از روایی و پایایی شاخص‌ها و از آزمون تحلیل عاملی تأییدی جهت تأیید روایی سؤالات و مشخص‌سازی عوامل کلیدی هر مؤلفه، و از فن مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت بررسی برازش مدل تحقیق، با داده‌های جمع‌آوری‌شده استفاده گردیده است. به‌منظور سنجش پایایی و ثبات پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ برای محاسبهٔ همگونی درونی ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های پژوهش بین صفر و یک است و دامنهٔ بالای ۷/ پایا بودن سؤالات مطرح‌شده و قابلیت اعتماد بالای پرسش‌نامه را نشان می‌دهد.

به‌منظور سنجش روایی باتوجه‌به اینکه متغیرهای پژوهش از چند بُعد (مؤلفه) تشکیل شده‌اند، از آزمون تحلیل عاملی تأییدی بهره گرفته شده، و برای بررسی مناسب بودن تعداد داده‌های موجود در تحلیل از شاخص‌های KMO و آزمون بارتلت استفاده شده است. شاخص KMO در پژوهش حاضر برابر با ۰/۶۴۸ و بالاتر از مقدار ۰/۶ است که رقم قابل قبولی می‌باشد. این رقم نشان می‌دهد که نمونهٔ انتخابی برای اجرای تحلیل عاملی کافی است.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌نامهٔ تحقیق

به‌منظور ارزیابی مدل، در این پژوهش از بارهای عاملی، و به‌منظور دستیابی به اعتبار هم‌گرا و میزان هم‌بستگی، آزمون‌های پایایی ترکیبی و میانگین واریانس مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پایایی هریک از گویه‌ها به مقدار بارهای عاملی هریک از متغیرهای مشاهده‌شده، اشاره می‌نماید. برای مشخص کردن این که شاخص‌های اندازه‌گیری تا چه اندازه برای سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول هستند؛ از آن‌ها استفاده شده است. در تحلیل‌های عاملی تأییدی، مقادیر بارهای عاملیِ بالاتر از ۰,۵ نشانگر سطح معناداری قوی و هم‌بستگی زیاد بین متغیرهای مشاهده‌شده و عامل هستند. همچنین بیانگر آن است که سازهٔ خوبی تعریف شده است. براین‌اساس طبق جدول۸ بار عاملی برای هیچ سؤالی کمتر از ۰/۵ نبود بنابراین هیچ سؤالی از تحلیل حذف نمی‌شود.

جدول۶. مقادیر آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
طرح‌وارهٔ عملکردی	۸	۰/۷۹۴
طرح‌وارهٔ حریم	۷	۰/۷۶۹
طرح‌وارهٔ سبک زندگی	۵	۰/۷۴۸
طرح‌وارهٔ اقلیمی	۱۰	۰/۸۰۳
آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسش‌نامه		۰/۸۷۱

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول۷. آزمون KMO و بارتلت برای سؤالات پرسش‌نامه

آزمون KMO		۰/۶۴۸
آزمون بارتلت	χ^2	۷۷۶/۸۷۵
	درجهٔ آزادی	۴۳۵
	Sig	۰/۰۰۱

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول۸. مقادیر بار عاملی، آمارۀ معناداری، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE برای پرسش‌نامۀ تحقیق

سازه	گویه	بار عاملی	آماره معناداری	میانگین واریانس(AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
طرح‌وارۀ عملکردی	Q01	۰,۸۵۷	۴,۰۷۱	۰/۶۶۳	۰/۹۴۰	۰/۹۲۶
	Q02	۰,۸۶۹	۴,۵۹۲			
	Q03	۰,۸۲۸	۴,۵۷۶			
	Q04	۰,۷۸۴	۲,۷۶۸			
	Q05	۰,۶۹۸	۲,۴۴۲			
	Q06	۰,۸۴۷	۴,۸۵۱			
	Q07	۰,۸۴۲	۵,۲۶۸			
	Q08	۰,۷۷۳	۲,۷۱۸			
طرح‌وارۀ محرمیت	Q09	۰,۸۷۸	۵,۱۷۰	۰/۶۷۶	۰/۹۳۵	۰/۹۱۷
	Q10	۰,۸۶۰	۴,۶۲۹			
	Q11	۰,۹۰۱	۵,۸۹۵			
	Q12	۰,۷۲۳	۳,۹۷۳			
	Q13	۰,۸۹۸	۵,۴۷۴			
	Q14	۰,۸۰۰	۳,۵۶۱			
	Q15	۰,۶۶۲	۲,۶۶۰			
طرح‌وارۀ سبک زندگی	Q16	۰,۸۵۰	۷,۲۳۰	۰/۶۷۴	۰/۹۱۱	۰/۸۷۸
	Q17	۰,۷۲۱	۳,۹۵۵			
	Q18	۰,۸۸۱	۱۲,۰۲۴			
	Q19	۰,۸۲۸	۱۱,۳۷۷			
	Q20	۰,۸۱۵	۸,۹۸۴			
طرح‌وارۀ اقلیمی	Q21	۰,۷۳۷	۸,۵۵۵	۰/۶۲۶	۰/۹۴۳	۰/۹۳۳
	Q22	۰,۸۵۹	۸,۳۷۲			
	Q23	۰,۸۰۷	۵,۰۴۱			
	Q24	۰,۷۲۸	۲,۷۶۰			
	Q25	۰,۸۷۰	۸,۰۱۹			
	Q26	۰,۷۶۱	۶,۷۶۳			
	Q27	۰,۸۱۲	۵,۸۲۰			
	Q28	۰,۷۸۷	۳,۶۷۳			
	Q29	۰,۷۴۹	۴,۱۳۷			
	Q30	۰,۷۸۹	۱۱,۳۸۹			

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

در رابطه با قابلیت اطمینان ترکیبی نیز باید بیشتر از ۰٫۷ باشد تا سنجه‌ها قابل اطمینان باشند.

همان‌طور که از داده‌های جدول۹ مشخص است، جذر میانگین واریانس استخراج‌شده برای هر متغیر بیشتر از هم‌بستگی آن متغیر با سایر متغیرها است. بنابراین روایی تشخیصی پرسش‌نامهٔ تحقیق مورد تأیید است.

برازش مدل ساختاری پژوهش

پس از بررسی مدل اندازه‌گیری، نوبت به بررسی و آزمون مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. با استفاده از مدل ساختاری، ارتباط عامل‌ها با یکدیگر جهت آزمونِ فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. خروجی گرافیکی مدل پژوهش در شکل۴ آورده شده است.

جدول۹. AVE و هم‌بستگی بین متغیرهای پرسش‌نامهٔ تحقیق

ردیف	شاخص	۱	۲	۳	۴
۱	طرح واره اقلیمی	۰٫۷۹۱			
۲	طرح واره سبک زندگی	۰٫۴۹۱	۰٫۸۲۱		
۳	طرح واره عملکردی	۰٫۵۹۵	۰٫۵۷۶	۰٫۸۱۴	
۴	طرح واره محرمیت	۰٫۶۶۲	۰٫۴۳۸	۰٫۶۳۱	۰٫۸۲۲

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

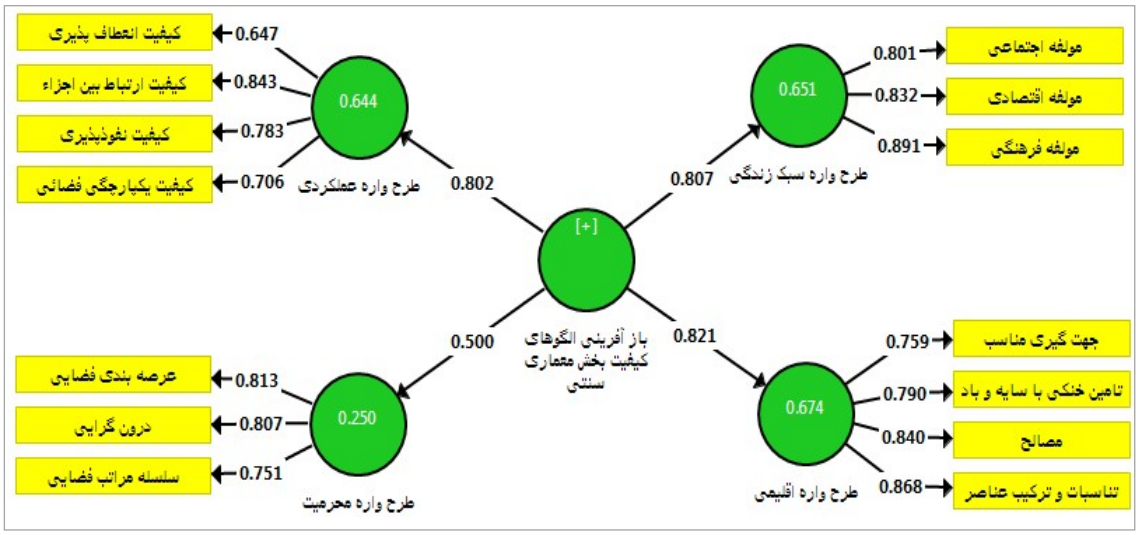

شکل۴. ضرایب مسیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۳)

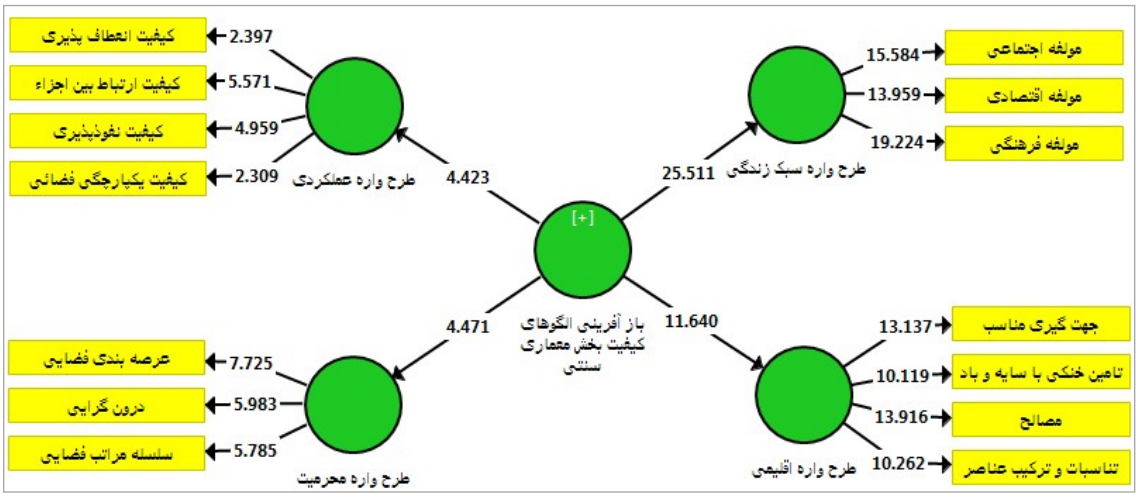

شکل۵. نتایج آزمون تی- استیودنت برای بررسی معناداری ضرایب مسیر (نگارندگان، ۱۴۰۳)

اعداد نوشته‌شده بر روی مسیرها ضرایب مسیر را نمایش می‌دهد. برای آزمون معناداری ضرایب مسیر با استفاده از روش بوت‌استراپ[۱۵]

مقادیر آزمون تی- استیودنت محاسبه شده است. در رابطه با مقادیر آزمون تی- استیودنت اگر مقداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد، ضریب مسیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

مطابق با مطالب جدول ۱۰ از بین چهار شاخص مربوط به طرحوارهٔ عملکردی، شاخص«کیفیت ارتباط بین اجزا» با بار عاملی ۰/۸۲۱ بیشترین میزان تأثیرگذاری، و شاخص «کیفیت انعطاف‌پذیری» با بار عاملی ۰/۶۴۷ کمترین میزان تأثیرگذاری را دارند. از بین سه شاخص مربوط به طرحوارهٔ محرمیت، شاخص «عرصه‌بندی فضایی» با بار عاملی ۰/۸۱۳ بیشترین میزان، و شاخص «سلسله‌مراتب فضایی» با بار عاملی ۰/۷۵۱ کمترین میزان تأثیرگذاری را دارا می‌باشند. از بین سه شاخص مربوط به طرحوارهٔ سبک زندگی، شاخص «فرهنگی» با بار عاملی ۰/۸۹۱ بیشترین میزان، و شاخص«اجتماعی» با بار عاملی ۰/۸۰۱ کمترین میزان تأثیرگذاری را دارند. از بین چهار شاخص مربوط به طرحوارهٔ اقلیمی، شاخص«تناسبات و ترکیب عناصر» با بار عاملی ۰/۸۶۸ بیشترین میزان، و شاخص «جهت‌گیری مناسب» با بار عاملی ۰/۷۵۹ کمترین میزان تأثیرگذاری را درراستای بازآفرینی الگوهای معنایی- کالبدی هویت‌بخش دارا هستند. آمارهٔ معنی‌داری در چهار طرحوارهٔ عملکردی، محرمیت، سبک زندگی و اقلیمی به‌ترتیب برابر (۴/۴۲۳)، (۴/۴۷۱)، (۲۵/۵۱۱) و (۱۱/۶۴۰) می‌باشند. این آماره بزرگ‌تر از مقدار (۱/۹۶) است و نشان می‌دهد ارتباط میان هر چهار طرحواره در بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدیِ هویت‌بخش در سطح اطمینان (۹۵٪) معنی‌دار است. باتوجه‌به ضرایب مسیر مشخص می‌شود که چهار طرحوارهٔ: اقلیمی (۰/۸۲۱)، سبک زندگی (۰/۸۰۷) ، عملکردی (۰/۷۲۴)، و محرمیت(۰/۵۰۰)، ازلحاظ میزان تاثیرگذاری بر بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت بخش رتبه بندی می گردند.

جدول ۱۰. نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری برای بررسی فرضیه‌های پژوهش

ردیف	مسیر		ضریب مسیر (β)	عدد معنی‌داری (t-value)	نتیجهٔ آزمون	رتبهٔ تأثیرگذاری
	متغیر مستقل	متغیروابسته				
۱	طرحوارهٔ عملکردی	بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش	۰/۸۰۲	۴/۴۲۳	تایید	(۳)
۲	طرحوارهٔ محرمیت		۰/۵۰۰	۴/۴۷۱	تایید	(۴)
۳	طرحوارهٔ سبک زندگی		۰/۸۰۷	۲۵/۵۱۱	تایید	(۲)
۴	طرحوارهٔ اقلیمی		۰/۸۲۱	۱۱/۶۴۰	تایید	(۱)
عملکردی	کیفیت نفوذپذیری		۰/۷۸۳	۴/۹۵۹	تایید	(۲)
	کیفیت انعطاف‌پذیری		۰/۶۴۷	۲/۳۹۷	تایید	(۴)
	کیفیت یکپارچگی فضایی		۰/۷۰۶	۲/۳۰۹	تایید	(۳)
	کیفیت ارتباط بین اجزاء		۰/۸۴۳	۵/۵۷۱	تایید	(۱)
محرمیت	درون‌گرایی		۰/۸۰۷	۵/۹۸۳	تایید	(۲)
	عرصه‌بندی فضایی		۰/۸۱۳	۷/۷۲۵	تایید	(۱)
	سلسله‌مراتب فضایی		۰/۷۵۱	۵/۷۸۵	تایید	(۳)
سبک زندگی	مؤلفهٔ اجتماعی		۰/۸۰۱	۱۵/۵۸۴	تایید	(۳)
	مؤلفهٔ اقتصادی		۰/۸۳۲	۱۳/۹۵۹	تایید	(۲)
	مؤلفهٔ فرهنگی		۰/۸۹۱	۱۹/۲۲۴	تایید	(۱)
اقلیمی	تأمین خنکی با سایه و باد		۰/۷۹۰	۱۰/۱۱۹	تایید	(۳)
	تناسبات و ترکیب عناصر		۰/۸۶۸	۱۰/۲۶۲	تایید	(۱)
	جهت‌گیری مناسب		۰/۷۵۹	۱۳/۱۳۷	تایید	(۴)
	مصالح		۰/۸۴۰	۱۳/۹۱۶	تایید	(۲)

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

نتیجه‌گیری

به دلیل پشتیبانی منابع مکتوب از اهمیت داشتن بازشناخت راهبردهای هویت ساز برمبنای تفسیر مجدد الگوهای خانه‌های تاریخی در طراحی معماری معاصر در بافت های تاریخی، و با توجه به محدود بودن مطالعات با تاکید بر بعد متافیزیکی و شهودی این الگوها، پژوهش حاضر در مسیر دستیابی به اهداف این گونه اقدام نمود.

در گام نخست با تبیین مفهوم طرحواره برمبنای تحلیل محتوای منابع مکتوب، ضمن بررسی های میدانی از خانه های بافت تاریخی لاهیجان به بازشناسی الگوهای های معنایی- کالبدی (هدف نخست) پرداخت. همانطور که در پیش آورده شد، طرحواره ها در چهار بعد عملکردی با زیرشاخص های (کیفیت نفوذپذیری، کیفیت انعطاف پذیری،کیفیت ارتباط میان اجزا، میزان یکپارچگی فضایی)، طرحواره محرمیت با زیر شاخص های (عرصه بندی، درونگرایی و سلسله مراتب دسترسی)، طرحواره سبک زندگی با زیرشاخص های (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) و طرحواره اقلیم با زیرشاخص های (تامین خنکی با سایه و باد، تناسبات و ترکیب عناصر، جهت گیری مناسب و مصالح) به عنوان طرحواره های متناسب با نوع کاربری نمونه های موردی در نظر گرفته شدند. درادامه در جهت آزمون فرضیه پژوهش از طریق تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه، معناداری رابطه طرحواره های (الگوهای معنایی- کالبدی) خانه های تاریخی دوره قاجار لاهیجان با ترتیب اثر طرحواره های (اقلیمی، سبک زندگی، عملکردی و محرمیت) و هویت سازی و کیفیت بخشی در طراحی ساختارهای معاصر در بافت تاریخی مورد تایید قرار گرفت.

در ادامه به منظور هدف اصلی پژوهش با توجه به تحلیل یافته های حاصل از داده های میدانی(پرسشنامه و مشاهده)، رهیافت های پیشنهادی درچارچوب طرحواره های (الگوهای معنایی-کالبدی) هویت بخش در بافت تاریخی لاهیجان طبق جدول ۱۱ ارائه شد.

درمجموع براساس یافته‌های به‌دست‌آمده ، به تحقیقات بیشتری در مورد عواملی که بر فرایند ادراک و شیوهٔ استفاده از فضاهای موجود در بناهای تاریخی در هر منطقه تأثیر می‌گذارند، نیاز است. چراکه در پس الگوهای

جدول ۱۱. رهیافت‌های پیشنهادی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش در بافت تاریخی)

مؤلفه	شاخص		نتایج	رهیافت
اندام کالبدی	-		-	-
طرحواره (عملکرد-معنا)	طرحوارهٔ عملکردی	کیفیت نفوذپذیری	ارتباط میان طرحوارهٔ عملکردی و بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش در سطح اطمینان ۹۵ ٪ معنی‌دار است. در بین مؤلفه‌ها کیفیت ارتباط میان اجزا رتبهٔ اول دارد. بعد از آن کیفیت نفوذپذیری و یکپارچگی فضایی، و در انتها انعطاف‌پذیری در تأثیرگذاری بر بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش قرار دارد.	-استفاده از ایوان به‌عنوان فضای واسط میان حیاط و بنا که دارای بیشترین مقدار هم‌پیوندی است چون ارتباط با فضاها ازطریقِ ایوان صورت می‌گیرد. -تعریف فضاهایی که دارای مقادیر بالای دسترسی باشد قابلیت پذیرش طیف متنوع‌تری از فعالیت را برای فضا دارد. -جانمایی ایوان و حیاط به‌دلیل قرارگیری در عمق کمتر دارای نفوذپذیری بیشتر است و این امر به یکپارچگی فضایی کمک می‌کند. - طراحی ایوان به‌عنوان فضایی که دارای بیشترین میزان هم‌پیوندی نسبت به سایر فضاها است، موجب افزایش ارتباط فیزیکی و امکان دید از آن به سایر فضاها می‌شود.
		کیفیت انعطاف پذیری		
		کیفیت یکپارچگی فضایی		
		کیفیت ارتباط میان اجزا		

ادامه جدول ۱۱. رهیافت‌های پیشنهادی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش در بافت تاریخی

مؤلفه	شاخص		نتایج	رهیافت
طرح‌واره (عملکرد-معنا)	طرح‌وارهٔ محرمیت	درون‌گرایی	ارتباط میان طرح‌وارهٔ محرمیت و بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدیِ هویت‌بخش در سطح اطمینان (۹۵ ٪) معنی‌دار است. بین مؤلفه‌های طرح‌وارهٔ محرمیت، کیفیت عرصه‌بندی فضایی در رتبهٔ اول، درون‌گرایی در رتبهٔ دوم و سلسله‌مراتب فضایی در رتبهٔ سوم تأثیرگذاری بر بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش قرار دارند.	«نداشتن ارتباط بصری فضای داخلی سایت با بیرون» و «ساماندهی فضاهای داخلی حول یک فضای مرکزی» موجب می‌گردد تا با افزایش نسبت توده به فضا بیشترین عمق نسبت به ورودی وجود داشته باشد. این امر موجب کاهش دسترسی فیزیکی و افزایش درون‌گرایی می‌شود. - با افزایش نسبت توده به فضا میزان دید از ورودی به حیاط کاهش می‌یابد. این موضوع نشان‌دهندهٔ افزایش محرمیت می‌باشد. - با کاهش دسترسی فیزیکی و بصری از ورودی به حیاط، درون‌گرایی افزایش می‌یابد. در نتیجه افزایش نسبی محرمیت حاصل می‌شود. - دید به ایوان و فضاهای خصوصی از حیاط به‌دلیل قرارگیری فضاها در ارتفاع بالاتر، تاریک بودن فضای درون، کوچک بودن بازشوها و وجود نقوش اسلیمی بر آن‌ها رؤیت از بیرون به درون کاهش می یابد. در مقابل امکان دید از داخل به بیرون فراهم می‌گردد. - میزان ارتباطات بین فضاها عمومی و یا خصوصی بودن را نشان می‌دهد. هرقدر ارتباط بیشتر باشد فضا عمومی‌تر است. - تعریف فضاها با الگوی خطی می‌تواند در ایجاد نظام سلسله‌مراتبی مؤثر واقع شود. این امر نشان‌دهندهٔ کاهش دسترسی‌پذیری و افزایش محرمیت می‌باشد.
		عرصه‌بندی فضایی		
		سلسله‌مراتب		
	طرح‌وارهٔ سبک زندگی	مؤلفهٔ اجتماعی	ارتباط میان طرح‌وارهٔ سبک زندگی و بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش در سطح اطمینان (۹۵ ٪) معنی‌دار است. بین مؤلفه‌های طرح‌وارهٔ سبک زندگی، مؤلفهٔ فرهنگی در رتبهٔ اول، مؤلفهٔ اقتصادی رتبهٔ دوم و مؤلفهٔ اجتماعی در رتبهٔ سوم تأثیرگذاری بر بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش قرار دارند.	مؤلفهٔ اجتماعی: تعریف فضای شاه‌نشین و یا ایوان دوستونی به‌منظور تعریف فضای مخاطبین خاص، چند بخشی نمودن فضا ازطریقِ استقرار بنا به‌صورت دو یا چند طبقه، عرصه‌بندی فضایی و ... می‌باشد. مؤلفهٔ اقتصادی: به‌لحاظ کاربری خاص فضایی در هر قسمت به ریزفضاهای موجود و تزیینات توجه شود. مؤلفهٔ فرهنگی (دین مذهب، مهمان‌نوازی، حریم و ...): توجه به زمینه و مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی در طراحی و تفکیک و عرصه‌بندی فضایی می‌باشد.
		مؤلفهٔ اقتصادی		
		مؤلفهٔ فرهنگی		

ادامه جدول ۱۱. رهیافت‌های پیشنهادی الگوهای معنایی-کالبدی هویت‌بخش در بافت تاریخی

مؤلفه	شاخص		نتایج	رهیافت
طرح‌واره (عملکرد-معنا)	طرح‌وارهٔ اقلیمی	تأمین خنکی با سایه و باد	ارتباط میان طرح‌وارهٔ اقلیمی و بازآفرینی الگوهای معنایی-کالبدیِ هویت‌بخش در سطح اطمینان (۹۵ ٪) معنی‌دار است. بین مؤلفه‌های طرح‌وارهٔ اقلیمی، تناسبات و ترکیب عناصر در رتبهٔ اول، مصالح در رتبهٔ دوم، تأمین خنکی با سایه و باد در رتبهٔ سوم و جهت‌گیری مناسب در رتبهٔ چهارم تأثیرگذاری بر بازآفرینی الگوهای معنایی- کالبدی هویت‌بخش قرار دارند.	-توجه به ایجاد کوران در بنا و دفع رطوبت توسط باد مطلوب، - ایجاد فضا با حداکثر بازشو در نماها، -وجود ایوان و شکل‌گیری ایوان‌های سرتاسری به‌عنوان فضاهای اصلی جهت انجام فعالیت‌های ساکنین، -استفاده از رواق در فضاهای ارتباطی در قسمت‌های مختلف سایت، -ارتفاع گرفتن از سطح زمین به‌منظور دفع رطوبت و تهویهٔ لایه‌های زیرین، -قرار گرفتن تالار و ایوان در طبقهٔ دوم به‌منظور بهره‌مندی از تهویهٔ مناسب‌تر، -جریان یافتن هوا در سطوح مختلف ارتفاعی با اجرای فضاهای نیمه‌محصور افقی و عمودی، -استفاده از سقف چهارشیبه یا کله‌قندی به‌منظور دفع راحت‌تر کج‌باران‌ها، -فاصله گرفتن بنا از جداره‌ها به‌دلیل ایجاد کوران و جریان هوا در اطراف بنا.
		تناسبات و ترکیب عناصر		
		جهت‌گیری مناسب		
		مصالح		

(نگارندگان، ۱۴۰۳)

کالبدی نقشه‌های معنایی-کالبدی وجود دارند که قابل تکرار و تغییر هستند. این طرح‌واره‌ها که از تجربیات، فرهنگ و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند، بر درک، پردازش و ساخت هویت ما تأثیر می‌گذارند. در بافت‌های تاریخی، هویت‌سازی پیچیده‌تر است زیرا این نواحی هویت افراد را شکل می‌دهند. خانه‌های تاریخی با الگوهای کالبدی-معنایی متمایز خود، مظهر میراث فرهنگی غنی این بافت‌ها هستند. لذا جهت پرداختن به راه‌حل‌های هویت‌ساز و پیشگیری از خطر از هم گسستن پیوستگی فرهنگی و فرسودگی ساختار اجتماعی مرتبط با میراث تاریخی هر منطقهٔ خاص، درک مفهوم الگوهای معنایی در قالب طرح‌واره‌ها در خانه‌های سنتی و فرایند تفسیر مجدد آن‌ها توأم با گونه‌شناسی کالبدی و کارکردی، ضروری به نظر می‌رسد.

سپاس‌گزاری

مقالهٔ حاضر برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد نگارندهٔ اول تحت‌عنوان "طراحی خانه فرهنگ غذای لاهیجان با رویکرد بازآفرینی الگوهای کیفیت‌بخش معماری سنتی گیلان (نمونه موردی خانه‌های قاجار لاهیجان)" است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند، مراتب تشکر صمیمانهٔ خود را از کارکنان محترم حوزهٔ ریاست، معاونت و مرکز اسناد ادارهٔ میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان گیلان که ما را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کنند.

پی‌نوشت

1. Climatic typology
2. Morphological typology

3. Historical-evolutionary typology
4. Space-oriented typology
5. Socio-cultural typology
6. Semantic typology
7. Morphological characteristics
8. Schema
9. Archetype
10. Genotype
11. Phenotype

۱۲. نحوۀ اجرای سنتی زیر بام در سقف شیب‌دار در گیلان می‌باشد.

۱۳. اگرچه جنبه‌های غیرمادی در گونه‌شناسی معنایی دنبال می‌گردد اما باید اذعان داشت شناخت و دسته‌بندی این جنبه‌ها در بطن ظاهری و کالبد معماری قابل شناسایی است.

۱۴. در پژوهش حاضر گونه‌شناسی در بخش طرح‌واره‌های خانه‌های تاریخی لاهیجان دنبال می‌شود و شناخت شاخص‌ها و الگوهای نهفته در بخش اندام‌های کالبدی در نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهشی دیگر تحت‌عنوان الگوشناسی اندام‌های کالبدی خانه‌های تاریخی لاهیجان با هدف ارائه رهیافت‌های هویت‌ساز در طراحی ساختارهای معاصر در زمینۀ تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است (بلوچستانی و دلشاد، ۱۴۰۲).

15. Bootstrapping

فهرست منابع

- آقالطیفی، آزاد و حجت، عیسی (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ش (۴): ۵۴-۴۱.
- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، ش (۲۰): ۲۳-۱۲.
- اسلام‌پور، شیما؛ میرریاحی، سعید و حبیب، سوزان (۱۴۰۰). در جست‌وجوی معنای خانه: تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی مطالعه موردی: خانه‌های حیاط‌دار همدان. *باغ نظر*، ۱۰۵ (۱۸): ۹۲-۷۹.
- اعتمادی‌پور، مرضیه. و مهدی‌نژاد، سیدجمال‌الدین (۱۴۰۰). مدل‌یابی فرایند ایده‌پردازی در آموزش طراحی معماری با رویکرد نشانه‌شناختی (نمونه موردی: طراحی مسکن). *معماری و شهرسازی ایران*، ۱۲(۱): ۳۵-۲۳.
- امینی، ندا و نوروزیان‌پور، هیربد (۱۳۹۳). خلوت و محرمیت، شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مفهوم در معماری و شهرسازی. *شهر ایرانی اسلامی*، ش (۱۵): ۱۰۷-۹۹.
- بلوچستانی،معصومه و دلشاد سیاهکلی،مهسا (۱۴۰۲)، الگوشناسی اندام های کالبدی خانه های تاریخی لاهیجان با هدف ارائه رهیافت های هویت ساز در طراحی ساختارهای معاصر در زمینه تاریخی، *فصلنامه اثر*، ۴۴(۱)،۱۶۸-۱۹۴
- پالاسما، یوهانی (۱۳۸۸). **چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی**. ترجمه رامین قدس، تهران: روشنگران.
- پیوسته‌گر، یعقوب؛ حیدری، علی‌اکبر و اسلامی، مطهره (۱۳۹۶). بازشناسی اصول استاد پیرنیا در معماری خانه‌های سنتی ایران و تحلیل آن با استناد به منابع اعتقادی اسلامی، نمونه موردی خانه‌های شهر یزد. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال هفتم، ش (۲۷): ۶۶-۵۱.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۳). **سبک‌شناسی معماری ایرانی**. تهران: انتشارات سروش دانش.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، محمدرضا؛ بمانیان، محمدرضا و حیدری، شاهین (۱۳۹۲). تعیین الگوی بهینه حیاط مرکزی در مسکن سنتی دزفول با تکیه بر تحلیل سایه دریافتی سطوح مختلف حیاط، *باغ نظر*، ش (۲۷): ۴۸-۳۹.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵). هماوایی نور و رنگ در فضای شهری. *نشریه هنرهای زیبا*، ش (۲۷): ۳۴-۲۷.
- حسینی‌نیا، سیدمهدی؛ حاجی‌زاده باستانی، کریم؛ شهبازی شیران، حبیب؛ رضالو، رضا، و شیدایی، شاهرخ (۱۳۹۹). گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی در بافت قدیم شهر اردبیل. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)*، ۱۰ (۲۶): ۲۱۴-۱۸۹.

- حمزه‌نژاد، مهدی و دشتی، مینا (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایران از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. *نقش جهان*، ۶ (۲): ۳۵-۲۴.
- حیدری، علی‌اکبر و کیایی، مریم (۱۳۹۸). تحلیل راندمان عملکردی خانه‌های دوره قاجار شهر تبریز براساس شاخص کیفیت دسترسی به فضا. *نشریه مرمت و معماری ایران*، سال دهم، ش(۲۳): ۱۸-۱.
- حیدری، علی‌اکبر و کیایی، مریم (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر ارتقاء راندمان عملکردی فضا در خانه‌های روستایی با تکیه بر نقش الگوهای رفتاری. *هویت شهر*، ۱۴(۲): ۸۰-۶۵.
- حیدری، علی‌اکبر و تقی‌پور، ملیحه (۱۳۹۹). مقایسه روش‌های ایجاد محرمیت در مسکن سنتی و معاصر نمونه مطالعاتی: شهر شیراز، *فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران*، سال دهم، ش(۲۴): ۸۰-۶۳.
- حیدری، علی اکبر،پیوسته گر،یعقوب،کیایی ، مریم،۱۳۹۵، ارزیابی نقش حیاط در ارتقای راندمان عملکردی حیاط، *فصلنامه صفه،۲۶(۲)،۳۹-۶۰*
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). **انسان‌شناسی مسکن**. ترجمه خسرو افضلیان، تهران: حرفه هنرمند.
- رحمانی، سارا و ندیمی، حمید (۱۳۹۸). تأملی در کیفیت و معنی محیط. *باغ نظر*، ۱۶ (۷۱): ۶۰-۵۱.
- زارعی، محمدابراهیم؛ موسوی حاجی، سیدرسول و شریف‌کاظمی، خدیجه (۱۴۰۰). تأملی بر ساختار فضایی و گونه‌شناسی خانه‌های سنتی‌بخش دستگردان طبس. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۳۱ (۸): ۵۰-۳۳.
- زارعی، هانی؛ رازانی، مهدی و قزلباش، ابراهیم (۱۳۹۶). بازشناسی الگوی طراحی خانه‌های تاریخی شیراز در دوره قاجاریه با رویکرد اقلیمی. *نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش(۱۳)، دوره هفتم: ۲۴۲-۲۲۵.
- زومتور، پیتر (۱۳۹۴). **رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه‌های پیتر زومتور**. ترجمه مرتضی نیک‌فطرت و صدیقه میگذار لنگرودی، چاپ اول، تهران: علم معمار.
- زینلیان، نفیسه و اخوت، هانیه (۱۳۹۶). ساختارشناسی حیاط در خانه‌های قجری اقلیم گرم‌وخشک و گرم‌ومرطوب با تمرکز بر گونه حیاط مرکزی مطالعه موردی: خانه‌های یزد و درفول. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی*، ش (۳۰): ۲۹-۱۵.
- سعادت، داوود؛ اعتصام، ایرج؛ مختاباد امرئی، سیدمصطفی و مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۶). تبیین مفهوم شفافیت در دوره‌های مدرن، پست‌مدرن و ارزیابی آن در معماری اسلامی ایرانی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۵ (۲): ۹۰-۷۵.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). **فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران**. تهران: شهرداری تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی،شرکت توسعه فضاهای فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین و قاسمی‌نیا، مازیار (۱۳۹۰). گونه‌شناسی ساختار کالبدی- کارکردی معماری مسکونی استان گلستان. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۴ (۷): ۱۵-۱.
- سیفیان، محمدکاظم و محمودی، محمدرضا (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی. *فصلنامه هویت شهر*، ش(۱): ۱۴-۳.
- عینی‌فر، علی‌رضا (۱۳۸۲). الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران. *نشریه هنرهای زیبا*، ش (۱۳): ۷۷-۶۴.
- مشهدی، علی و امین‌پور، احمد (۱۳۹۵). تدوین فرایند و شاخص‌های مؤثر بر گونه‌شناسی معماری با معیار ویژگی‌های ترکیب‌بندی (نمونه موردی: بناهای تاریخی شهر اراک). *نشریه مدیریت شهری*، ش (۴۸): ۱۸۶-۱۷۳.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۳). حکمت معمای اسلامی، جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنویِ معماری اسلامی. *هنرهای زیبا*، ش (۱۹): ۶۶-۵۷.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید و مسعودی‌نژاد، مصطفی (۱۳۹۲). جایگاه اقلیم در ترکیب‌بندی بناهای معاصر مطالعه موردی: خانه‌های دوره قاجار درفول. *هویت شهر*، ش (۲۶): ۷۴-۶۱.
- معماریان، غلامحسین و دهقانی تفتی، محسن (۱۳۹۷). در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (نمونه مطالعاتی: خانه‌گونه تالاردار شهر تفت). *نشریه مسکن و محیط روستا*، ش (۱۶۲): ۳۸-۲۱.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۹۳). **وجود ، فضا و معماری**. ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: پرهام نقش.
- وحدت، سلمان؛ کریمی مشاور، مهرداد و بخشی یالکانلو، عادل (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران. *آمایش جغرافیایی فضا*، ۷ (۲۶): ۱۴۴-۱۲۹.

- Baldwin, M. W. (1992). “Relational schemas and the processing of social information.” *Psychological Bulletin* 112: 461-484.
- Berrak, Y. and S. Kapoor (2021). “Understanding Energy Efficient Techniques in Traditional Architecture.” *2021 International Conference on Electrical, Computer and Energy Technologies* (ICECET): 1-6.
- Bourdieu, p.(1977).**Distinction:A Social Critique of the Judgment of Taste.Cambridge** :Harvard University Press.
- Canno, M., et al. (2013). “Preservation and Conservation of Rural Buildings as a Subject of Cultural Tourism: A Review Concerning the Application of New Technologies and Methodologies.” *Journal of Tourism and Hospitality* 2: 1-13
- Clapham,D.(2011).The Embodied Use of the Material Home: an Affordance Approach Housing,*Theory and Society*,28(4): 360-376.
- Colquhoun,A.(1981).**Modern Architecture and historical Change Cambridge** ,Mass . and London ,England : the MIT press
- Coolen, H.(2006). The Meaning of Dwelling: an Ecological Prespective. Housing, *Theory and Society*,23(4):185-201.
- Dario,C. Silva,T(2020), Uso de Realidade Aumentada na Educacao Patrimontal ,Congrisso Barsileiro de Patologia Das Cunstrucoes De 15 A 17 De Abril,Fortaleza-ce. http://dx.doi.org/10.4322/CBPAT.2020.138
- Dawson,P.C(2002).Space Syntax analysis of Central Inuit snow houses.*Journal of Anthropological Archeology* ,21(4),464-480.
- Damiano, R., et al. (2015). Visual metaphors for semantic cultural heritage. *2015 7th International Conference on Intelligent Technologies for Interactive Entertainment* (INTETAIN), IEEE.
- Derksen, M., Weissker, T., Kuhlen, T. W., & Botsch, M. (2023). Towards Discovering Meaningful Historical Relationships in Virtual Reality. 2023 IEEE Conference on Virtual Reality and 3D User Interfaces Abstracts and Workshops (VRW), 697-698.
- Eid, W. K. (2018). “ARCHITECTURAL HERITAGE RENOVATION AND PRESERVATION OF IDENTITY.” International Journal of Architectural Engineering and Urban Research (1-10).
- Etemadipour, M. (2021). Semantic analysis of traditional Persian residential architecture with an emphasis on the role of signs (Case study: Traditional houses in hot-dry climate) [Research]. Journal of Researches in Islamic Architecture, 9(4), 95-108. https://doi.org/10.52547/jria.9.4.7
- Gifford, R.(1987).Enviromental Pcycology:Principles ond Practice.Massachusette:Allyn and Bacon
- Giugliano, G., & Laudante, E. (2020). Design as Collaborative Connection between User, Technology and Cultural Context. IOP Conference Series: Materials Science and Engineering, 949.
- Harre, R.(2002).Material Objects in social Worlds. Theory, Culture & Society,19(5/6):23-33.
- Hershberger, R. G.& Cass,R.(1974).Predicting the meaninig of Archetecture, In Designing for human behavior:Archetecture and The bshavioral Science: Edited by Lang, J.,Burnette, C., Moleski, W.& Vachon, D. Pennsylvannia:Dowton,Huchiston and Roos.
- Jing, X. (2015, 2015/04). Research of the impact of aesthetic psychology on graphic design

- Karrar,selma (2018). heritage and its impact on contemprpry interior design applications. international journal of multidisciplinary syudies in heritage research.vol2,issue2,p48-53.
- Luperto, M. and F. Amigoni (2016). Exploiting structural properties of buildings towards general semantic mapping systems. Intelligent Autonomous Systems 13: Proceedings of the 13th International Conference IAS-13, (125-138).
- Mazzetto, S. (2018). "Heritage Restoration as a Tool to Promote Architectural Identity in the Gulf Regions." Preservation, Digital Technology & Culture (PDT&C) 47: 3 - 11.
- Mellbratt, A., & Wiberg, N. (2009). The Fallacy of Eco-Friendly Design How progressive design can save it.
- Memarian, G., & Dehghani Tafti, M. (2018). Seeking to Find a Novel Concept to Type and Typology in Architecture (Case study: Vernacular Houses in Taft, Type of Tallardar) [Research]. Journal of Housing and Rural Environment, 37(162), 21-38. https://doi.org/Doi: 10.22034/37.162.21
- Mohamadhoseini, P., et al. (2019). "An Analysis of the Role of Social class's Lifestyle in the Pattern of Housing; Case Study: The late Qajar and Early Pahlavi Houses in Ardabil." The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar 16(76): 31-44.
- Moneo,R.(1997).On Typology , oppositions , 13.pp.23-45.
- Peer, M.,Epstein,R,A (2021). "Structuring knowledge with cognitive maps and cognitive graphs." Trends in cognitive sciences 25(1): 37-54.
- Prabhata, T., Susanto, I. A., P., S., & Murwonugroho, W. (2023). Local Culture Synchronization in Global Contemporary Fashion Style Breakthroughs. Mudra Jurnal Seni Budaya.
- Rapaport,A.(1982). The Menning Of the built enviroment: A Nonverbal Communication Approach Arizona: Sage Publication.
- SAID, S. Y. and S. N. A. A. HAMZAH (2020). "Impact of urbanisation on cultural identity and townscape characteristics of Kuala Lumpur China town, Malaysia." WIT Transactions on the Built Environment 197: 77-88.
- Solodilova,L,A (2020). The Necessity of Using Developed CulturalTraditions in Contemporary Architecture of Southof Russia,IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci. 459 032082.
- Sokhanvar Dastjerdi, M. and R. M. Sani (2015). "Linking the past and present through symbolic housing features: North Cyprus." Social Semiotics 25: 578 - 596.
- Taheri, F., Aeinifar, A., & Shahcheraghi, A. (2020). A Comparative Comparison of Typology of the Space Organization and Physical Elements of the Qajar-Pahlavi Period with Traditional Houses in Kermanshah. pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran, 9(23), 149-168.
- Takeda, K. and J. E. Almazán (2022). "DESIGN THINKING ON MATERIALITY REGARDING CONTEMPORARY RENOVATED HOUSES." Journal of Architecture and Planning (Transactions of AIJ).
- Vainikka, J. T. (2015). "Reflexive identity narratives and regional legacies." Tijdschrift voor economische en sociale geografie 106(5): 521-535.
- Vicente, R. d. S., Arêde,A., Costa,A., Varum,H (2018). Cultural Heritage Monuments and Historical Buildings: Conservation Works and Structural Retrofitting.

Received: 2023/12/25
Accepted: 2024/09/01

Interpreting the Schemas of Elahijan's Historical Houses with the Aim of Presenting Identity-Building Approaches in the Design of Contemporary Structures in a Historical Context*

Masoumeh Baluchestani** **Mahsa Delshad Siahkoli*****

Abstract

The emergence of contemporary architectural designs, often detached from the city's historical context, has raised concerns about the potential loss of authenticity and sense of place. The lack of identity-building strategies in the design of these modern structures carries the risk of breaking the continuity of the cultural narrative and eroding the social fabric. Historical houses, with their distinct metaphysical and intuitive characteristics, are a manifestation of the rich tangible and intangible heritage of each region, and rapid urbanization and the demand for contemporary structures pose a significant threat to the preservation of these historical-cultural treasures. Therefore, the present study seeks to identify and reinterpret the schemas of Elahijan's historical houses, and to achieve indicators and strategies that guarantee identity-building and strengthen the integration of contemporary structures in their historical context. The present article is a descriptive-analytical one in terms of its purpose and development-application, and in terms of its methodology, it is based on library studies and field surveys. To confirm the relationships and test the hypotheses, the field phase data were extracted from a researcher-made questionnaire, with a sample size of 80 residents, specialists, and university professors in Elahijan city. PLS software was used for analysis. Based on the research findings, the significance of the relationship between the extracted components in the semantic-physical typology of Elahijan's historical houses was confirmed by the order of the effect of the schemas (climatic, lifestyle, functional, and privacy) and the continuity of identity in the historical context of the region. In general, this study shows that the quality of the relationship between the components in the functional schema, spatial zoning in the privacy schema, cultural criteria in the lifestyle schema, and proportions and combination of elements in the climatic schema are among the most important aspects that should be considered in contemporary architectural design in the historical context of Elahijan in order to achieve the ability to strengthen the cultural sustainability of the urban environment and the continuity of Elahijan's unique identity for future generations.

Keywords: Semantic typology, schema, Qajar houses, historical context of Elahijan.

---

* This article is taken from the master's thesis entitled "Designing the Elahijan Food Culture House with the Approach of Recreating Quality-Giving Patterns Traditional Gilan Architecture (Case Study of Qajar Elahijan Houses)".

** Doctoral Student of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University of Qazvin.

*** Assistant Professor, Architecture Group, Elahijan Branch, Islamic Azad University of Al-Hijjan (Corresponding Author)